رنجبر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

شهریور ۱۳۹۴ - شماره ۱۲۴
سال ۳۶

تاملی درمورد کتاب حلقه ی گمشده صفحه ۹	به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زین رو که بنیاد جفا و جور بی بنیاد می گردد! صفحه ۱۱	درجنبش جهانی کمونیستی صفحه ۱۹	مبارزه قهرمانانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی علیه آلمان نازی بود که نیروهای متفق را نجات داد صفحه ۱۹	پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش دوم) صفحه ۱۹

استعمارنو با اشتهای زیاد و نه با کودتا وارد نفوذ عجولانه درایران می شود!

بیش از ۱۲ سال تحریمهای شدید اقتصادی درسطوح مختلف تحت بهانه ی بمب اتمی ساختن رژیم، ضربات هولناکی بر بنیه ی اقتصادی ضعیف اکثریت عظیم کارگران و زحمت کشان وارد نمود. قراردادهای اقتصادی موجود نظیر استخراج نفت، فروش قطعات ماشین سازی، و مواد اولیه داروسازی و غیره از وسط کار قطع شد. اینها ازنظر حقوق بین المللی خود نظام سرمایه داری انحصارات جهانی مذموم بوده و قابل رسیده گی و پرداخت غرامت دردادگاه می باشند. گند این تجاوز تابدان حد آشکارشده است که خود مقامات دولتی درآمریکا به تجاوزات آشکارناشی از تحریمها اشاره می کنند:

۱- **«آدام زوبین، معاون وزارت خزانه داری ایالات متحده تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را موجب عقب ماندگی ۷ ساله اقتصاد ایران دانست.**

آقای زوبین که روز چهارشنبه ۵ اوت، ۱۴ مرداد به همراه وندی شرمن در جلسه کمیته امور بانکی سنا برای پاسخ دادن به پرسش‌های این کمیته حاضر شده بود در پاسخ به سوالی درباره مبلغ واقعی و دقیق دارایی‌ها که ایران پس از لغو تحریم‌ها به دست خواهد آورد و تخمین نحوه هزینه آن در ایران گفت: «ذخایر بانک مرکزی ایران در خارج حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است اما ایران تنها می‌تواند به حدود ۵۰ میلیارد دلار آن دسترسی داشته باشد چرا که بخشی از پول خود را پیشتر خرج کرده و بخشی از آن هم قابل برداشت نیست.»

بقیه در صفحه دوم

زنده ماندن جنایات ۷۰سال پیش امپریالیستها!

(به مناسبت بمب باران اتمی هیروشیما و ناکاساکی درژاپون)

۷۰سال پیش درشرایطی که با پیروزی ارتش سرخ شوروی در جبهه شرق بر ارتش فاشیستی اشغالگر ژاپون، نظام پادشاهی ژاپون قبول آتش بس و تسلیم شدنش را اعلام کرده بود، امپریالیسم هژمونی طلب آمریکا برای نشان دادن برتری نظامی خود و «ممانعت از قرارگرفتن ژاپون درزیر نفوذ شوروی» و آزمایش سلاح جدید کشتارجمعی بااندانختن دوبمب اتمی به روی هیروشیما و ناکاساکی به فاصله ی سه چهار روزقبل ۲۰۰۰۰۰ نفردرهیروشیما و ۷۰۰۰۰ نفر در ناکاساکی به قتل رسیدند و معلول شدن صدهاهزارنفر گرفتار در آلوده شدن به مواد رادیو آکتیو و جراحات

بقیه در صفحه هفتم

وحشت جمهوری اسلامی از رشد مارکسیسم در دانشگاه ها!!!

اولین بار درایران نیست که کارچاق کنهای حاکمان هشدارداده اند که "مارکسیسم دردانشگاهها رشد می کند". برای آنها جای تعجب است که با این همه سرکوب دانش جویان و بااین همه تبلیغ در دانش گاهها درمورد مذهب شیعه و میلیاردها تومان اختصاص بودجه دادن برای تبلیغ افسارگسیخته دین بازهم کم می آورند و از گسترش مارکسیسم دردانش گاههای ایران خبر می دهند. درتوضیح این وضع کمیته حمایت ازشاهرخ زمانی (۱۳۹۴/۵/۷) چنین توضیح می دهد:

"با نرمش قهرمانانه در خوردن جام زهر اتمی و تسکین آلام حاصل ازقبول نوکری سرمایه داری جهانی برای نظام اسلامی و رهبر معظم، و **بقیه در صفحه هشتم**

در ۲۷مین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در ایران

برگزاری سالگرد کشتار زندانیان سیاسی، ضمن این که به یادآورنده ی مبارزه تا به آخر عزیزانی است که جان برکف سربلندانه سرود زنده گی در آزادی، عدالت اجتماعی و به دور از استثمار و ستم و ازخود بیگانه گی را سردادند و درس بزرگی را برجای گذاشتند. با امید به این که این درس توسط رزمنده گان بازمانده و یا درآینده به اجراگذاشته شده و جلوی درنده گی رژیمهای هار سرمایه داری گرفته شود.

درسی که آنها دادند بسیار ساده و درعین حال بسیار عمیق بود: دشمن رزمنده گان گوناگونی را به زندان انداخته ، شکنجه و زندان بی حد و حصری را برآنها رواداشته و قصدنابودی جمعی آنها را درسرمی پروراند. لذا مقاومت متحد و یک پارچه جمله ما زندانیان، تودهنی سختی است که سزاواراین ددمنشان پلید ضد انسان می باشد.

جانباخته گان عزیزما درآن زمان این درس را به اجرا درآوردند و چنان وحشتی دردل سیاه قاتلان و حاکمان فراهم ساختند که هنوز امروز هیچ یک از آنان حتا درسطح بالای مسئوولیت داشتن دولتی، جرئت بیان این جنایت را ندارند. درحالی که کوس رسوائی این وحشیگری برسرهرکوی و بازار سالهاست که نواخته شده و دستهای قهرمانان به خون خفته درآمده ازخاک به بیرون گورستانهای جمعی برملاکننده ی این جنایات شدند. ولی رسوائی رژیم اسلامی درحدی بود که آنها خیانت کارانه قفل به دهان زده و نشان داده اند که در ضدیت با مبارزان نه تنها دست کمی از رژیم سلطنتی قبلی ندارند، بلکه ابعاد جنایت را به مراتب بزرگتراز دوران شاه کرده اند و اکنون درایران کمترخانواده ای را می توان یافت که رنج و درد **بقیه در صفحه پنجم**

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

استعمارنو با اشتهای زیاد...
بقیه از صفحه اول

معاون وزارت خزانه داری آمریکا در امور تروریسم در ادامه توضیح داد که ایران برای بازسازی اقتصاد خود به ۵۰۰ میلیارد دلار پول نیاز دارد. او اضافه کرد: «صنایع نفتی ایران که منبع اصلی درآمد این کشور است به ۲۰۰ میلیارد دلار پول نیاز دارد تا به وضعیت خود در پیش از تحریم‌ها برگردد و اقتصاد ایران دست کم ۷ سال زمان نیاز دارد تا به شرایطی برسد که امروز دارد.» ۰۵/۱۳۹۴/ صدای آمریکا

۲ ـ «اگر ایران تخلف کند چه؟

معاونان وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا تاکید کردند که اگر ایران تخلف مهم و قابل توجهی در اجرای توافق هسته‌ای داشته باشد، آمریکا و متحدانش این امکان را خواهند داشت که تحریم‌ها را بازگردانند. یعنی تکراربازی هم چنان موجوداست!!

وندی شرمن درباره امکان همکاری کشورهای دیگر در بازگرداندن تحریم‌ها توضیح داد که با برخی از مقامات اروپایی صحبت کرده و به مذاکرات خود در این باره ادامه خواهد داد اما گفت که سفیر بریتانیا در ایمیلی برای او و سناتور باب کروکر تاکید کرده که بریتانیا متعهد به بازگشت تحریم‌ها در صورت تخلف ایران است».(همانجا)

می بینیم که امپریالیستها دست بردار نبوده و کنترل تمامی اقتصاد کشورهای ضعیف را زیرنظر خودشان "حق مسلم خود خواسته" دانسته و نشان می دهند که جز مبارزه با هژمونی طلبی امپریالیستها و قطع نفوذ آنان ازمداخله درهرکشور، راه پایان دادن به ضعف اقتصادی کشور وبسط و گسترش آن به ویژه درخدمت به طبقه کارگر و زحمت کشان جز با به زیرکشیدن روابط تولیدی متکی برمالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و تامین استقلال کشورنمی باشد. درحالی که این کشورها که اکثریت عظیم کشورهای جهان را تشکیل می دهند فاقد کوچکترین حقی ازاین نظر می باشند.

۳ـ این قانون جنگل سرمایه که توافقات هسته ای بین کشورهای ۵+۱ و ایران در۲۳ تیردروین مسجل نشده ودعواها درهیاتهای آمریکا و ایران سربه فلک کشیده و به قول معروف "نه به داربود و نه به بار!

"محاسبات پولهای بلوکه شده ایران درخارج و تبلیغات برسرآنها که پس از دمیدن درشیپورتبلیغاتی معلوم می شوند که قابل برگردانده شدن حداکثر ۳۰ میلیارددلاربه داخل هم نیستند استعمارگران نو دندان تیز کرده اند تا تحت عنوان برقرارساختن قراردادهای اقتصادی به مصداق "ازخرس موئی" همین پولهاراهم ازآنِ خود بکنند و قدری بحران مالی و اقتصادی خودشان را التیامی ببخشند. بدین ترتیب هیئتهای نماینده گی این کشورها به سان گرگهای درنده ای که روی نعش حیوان تیرخورده افتاده و دریک چشم به هم زدن و در رقابت با هم، باخوردن گوشت آن حیوان استخوانهای باقی مانده را برجای می گذارند تاسرمایه داران ضعیف بالیسیدن گوشتهای باقی مانده نشان دهند که از هیچ چیز نگذشته و اشتهای بی پایانی دارند در غارت و چپاول ثروتهای مردم یک کشوررنجور و درعذاب فقر و گرسنه گی! فقط کافی است به گزارشات مطبوعات توجه کنیم:

۴ـ دراین ماجرا خود حاکمان ایران آتش بیارمعرکه شده و ازجمله وزیرامورخارجه ایران

(بی.بی.سی.- ۲۰۱۵/۸/۴): آقای ظریف در کنار کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی سیاست خارجی ایران با اشاره به سفرهای اخیر مقامات اروپایی به ایران گفته است که "روابط اقتصادی با کشورهای غربی باید آنچنان به هم تنیده باشد که برای کسی صرف نکند زیر توافق بزند".(این یعنی به حراج گذاشتن امکانات و قراردادها و کوتاه آمدن دربرابر خواست هرکدام تا کیفهای آنان در برگشت ازایران پرشوند ازقراردادها و راضی ازایران برگردند!! - رنجبر)

آقای ظریف در جلسه ای با حضور استادان حقوق و روابط بین الملل که به میزبانی شورای راهبردی روابط خارجی ایران برگزار شد، با اشاره به سفر وزیران امور خارجه و توسعه اقتصادی ایتالیا به تهران گفت: "این روابط ضمانت اجرای توافق جامع اتمی است... به این دلیل است که من مجبور می شوم در برابر بعضی فشارها مقاومت کنم و قبول کنیم که این ارتباط ها ایجاد شود، چون خود این ارتباط ها ضامن اجرای توافق است".(امپریالیستها هم ازتوبره خورده اند و هم از آخور می خواهندبخورند! بنابه پیشنهاد جناب ظریف - رنجبر)

۵ ـ از زمانی که ایران و شش قدرت جهانی در اواسط ماه ژوئیه به توافق رسیدند، وزیر اقتصاد آلمان، وزیر امور خارجه فرانسه و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم به ایران سفر کرده اند.

بسیاری از شرکت های بین المللی تمایل خود را برای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران اعلام کرده اند، اما منتظر اجرای توافق جامع اتمی و نهایتا لغو تحریم ها علیه ایران هستند.

آقای ظریف تلاش هایی که در کنگره آمریکا یا توسط کشورهایی مثل اسرائیل و "بعضی همسایگان" ایران برای جلوگیری از اجرای توافق اتمی ایران و گروه ۵+۱ در جریان است را تلاش هایی جدی توصیف کرد و گفت که در آمریکا "تنها برای ماه اوت ۱۵۰ میلیون دلار قرارداد برای پخش آگهی تلویزیونی علیه توافق بسته شده است".

حال ببینیم باچه بی تفاوتی کاربه دستان نظامهای امپریالیستی درمورد تاثیر تحریمها چه می گویند؟

علاوه بر صحبت آقای زوبین، معاون وزارت خزانه داری ایالات متحده **تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را موجب عقب ماندگی ۷ ساله اقتصاد ایران دانست.** (۱۴/۰۵/۱۳۹۴ ـ صدای آمریکا)

برخی از اعضای کنگره از جمله سناتورهای عضو کمیته امور بانکی و منتقدان توافق هسته‌ای با ایران نگران این هستند که ایران پس از لغو تحریم‌ها ذخایر ارزی سرشاری بدست آورد و آنها را برای توسعه برنامه هسته‌ای خود خرج کند.(بعداز فرض اول بمب اتمی سازی بدون اثبات اینک فرض دوم پیش کشیده می شود - رنجبر)

۶ـ اگر توافق رد شود سرنوشت تحریم‌های جهانی چه می‌شود؟

یکی از پرسش‌هایی که اعضای سنا انتظار داشتند پاسخ روشنی از معاون خزانه‌داری آمریکا درباره آن بشنوند این بود که اگر کنگره توافق اتمی با ایران را رد کند آیا ایالات متحده می‌تواند همان نظام تحریم‌ها را دوباره برقرار کند؟ پاسخ آدام زوبین به روشنی منفی بود.

معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا به سناتورها توضیح داد که آمریکا در یک روند طولانی دولت‌ها و شرکت‌های بزرگی در کشورها از جمله کره جنوبی، چین و... را قانع کرد که به خاطر نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران به تحریم‌های سخت اقتصادی علیه ایران بپیوندند، اما حال که ایران حاضر به توافق با جامعه جهانی بر سر برنامه هسته‌ای خود شده، سخت است که از دیگر کشورهای بخواهیم که به خاطر رد شدن این توافق در کنگره آمریکا، به فداکاری اقتصادی روی بیاورند و

کودتای ۲۸ مرداد برای رژیم چنج و توافقات اتمی درهمین راستا!

تحریم‌ها را ادامه دهند.

این مقام دولت آمریکا البته یادآور شد که آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی به تنهایی می‌تواند تحریم‌های خود را علیه ایران دوباره اعمال کند اما به میزان گذشته تاثیرگذار نخواهد بود. او گفت که اگر توافق رد شود، اتحادی که آمریکا علیه ایران ایجاد کرده است شکست خواهد خورد و ۹۰ کشوری که در تحریم ایران با آمریکا همکاری کردند، دوباره در این زمینه از ما حمایت نخواهند کرد.

تحریم‌های سپاه و برنامه موشکی

در بخشی از این جلسه معاونان وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا به کمیته امور بانکی سنا توضیح دادند که با وجود توافق اتمی، تحریم‌های دیگر ایالات متحده و شورای امنیت درباره برنامه موشکی ایران باقی خواهد ماند و افرادی که در این زمینه به ایران کمک می‌کنند همچنان مشمول تحریم خواهند شد.

آدام زوبین درباره وضعیت سپاه پاسداران پس از لغو تحریم‌های برنامه هسته‌ای گفت که افسران ارشد سپاه پاسداران و مجموعه شرکت‌های آن، از جمله قرارگاه خاتم الانبیا همچنان تحت تحریم‌های ایالات متحده باقی خواهند ماند.

او حتی تاکید کرد که شرکت‌هایی که از ناحیه تحریم سپاه و محرومیت از کار کردن با آن زیان ببینند، شامل کمک‌هایی از سوی آمریکا خواهند شد.

به گفته آقای زوبین، هیچ بانک یا شرکت خارجی دوست ندارد که به خاطر تخطی از تحریم‌های آمریکا، که به خاطر فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع شده، با تحریم و جریمه روبه رو شود.

وندی شرمن نیز گفت که توافق اتمی جلوی اقدامات ما برای توقف برنامه موشکی ایران را نمی‌گیرد و هم آمریکا و متحدانش و هم شورای امنیت ابزار کافی برای ادامه دادن به تحریم‌های موشکی ایران را دارند.

اگر ایران تخلف کند چه؟

وندی شرمن درباره امکان همکاری کشورهای دیگر در بازگرداندن تحریم‌ها توضیح داد که با برخی از مقامات اروپایی صحبت کرده و به مذاکرات خود در این باره ادامه خواهد داد اما گفت که سفیر بریتانیا در ایمیلی برای او و سناتور باب کروکر تاکید کرده که بریتانیا متعهد به بازگشت تحریم‌ها در صورت تخلف ایران است.

یکی از سناتورها انتقاد کرد که ایران می‌تواند پس از چند سال از توافق کنار برود آن هم پس از آنکه درآمد کافی از فروش نفت به دست آورد، در آن صورت تحریم دوباره ایران چه سودی خواهد داشت؟ آقای زوبین در پاسخ به او گفت که حتی اگر ایران از فروش نفت ذخایر ارزی خود را افزایش دهد، بخش مهم آن در بانک‌ها و مراکز مالی خارجی نگهداری خواهد شد و امکان بلوکه شدن در صورت تحریم، وجود خواهد داشت.

ازاین روشنتر نمی توان مقاصد مداخله گرانه ی امپریالیستی را درامور اقتصادی ایران بعدازاین توافق اتمی نادیده گرفت! که ظریف روی این امرمُهر تاکید می گذارد؟!

۷ ـ از زمانی که ایران و شش قدرت جهانی در اواسط ماه ژوئیه به توافق رسیدند، وزیر اقتصاد آلمان، وزیر امور خارجه فرانسه و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم به ایران سفر کرده اند.

بسیاری از شرکت های بین المللی تمایل خود را برای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی در ایران اعلام کرده اند، اما منتظر اجرای توافق جامع اتمی و نهایتا لغو تحریم ها علیه ایران هستند

باتوجه به وضعیت رقت بار توافق اتمی و قولهائی که سردمداران رژیم درمورد بهبود وضع اقتصادی داده بودند، اکنون شیپور تبلیغاتی را از سرگشادش می نوازند:

۸ـ «وزیر امور اقتصادی و دارایی از نمایان شدن آثار رفع تحریم در اواخر سال جاری خبر داد و گفت: شرایط پساتحریم زمینه اصلاح ساختار اقتصاد ایران را با کمترین هزینه و بیشترین محصول فراهم خواهد کرد.

به گزارش روز سه شنبه ایرنا، علی طیب نیا در حاشیه جلسه دوشنبه شب شورای گفت وگوی دولت و بخش خصوصی در جمع خبرنگاران، هم اندیشی دولت و بخش خصوصی در شرایط پس از توافق را بی نظیر دانست و افزود: در آینده نزدیک تحریم های ظالمانه علیه ملت ما برداشته خواهد شد و درصددیم با همکاری و مشورت با بخش خصوصی از ظرفیت ها آنها استفاده کنیم.

وزیر اقتصاد اظهار داشت: برنامه های دولت برای دوران پساتحریم به گونه ای تنظیم شده که در کنار رفع مشکلات ساختاری اقتصاد و با مردمی کردن آن و سرمایه گذاری بخش خصوصی در حوزه های تولید و صادرات زمینه دستیابی به رشد اقتصادی فراهم شود. (۱۳ مرداد۱۳۹۴)

ازاین لالائیهای صدتا به ارزش یک غاز زیاد گفته شده همان طور که دراول انقلاب قراربود آب و برق و اجار خانه ها ازمیان برداشته شود، که نشد و همین مخارجی که اکنون کمر مردم را شکسته است.

۹ـ ازهم اکنون رقابتهای اقتصادی را در سلطه بر بازار ایران بین امپریالیستها می توان به وضوح دید.

ایران به سمت بوئینگ متمایل شد/درخواست ۹۰ فروندی ایران از شرکت‌های هوایی

ایلنا: با وجود سفر وزیر خارجه فرانسه به ایران و مذاکرات وی با تهران برای گسترش سطح همکاری ها اما در بخش هوانوردی ایران همچنان به سمت بوئینگ تمایل دارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا به نقل از رویترز تا قبل از اعمال تحریم های هسته ای بر علیه ایران صنعت حمل و نقل این کشور در اختیار شرکت های فرانسوی بود و فرانسوی ها انتظار داشتند بعد از رفع تحریم ۳۷ ساله تحریم تجهیزات هواپیمایی باز هم ایران از فرانسوی ها برای تجهیز و نوسازی خطوط هوایی خود استفاده کند.

اما گویا سفر فابیوس به تهران و صحبت با مقام های ایرانی نتوانسته است ایرانی ها را برای بستن قرار داد خرید هواپیما از ایرباس راضی کند و ایران همچنان در نظر دارد تا از شرکت آمریکایی بوییگ تجیزات ناوبری خود را تامین کند.

با توجه به اعلام نیاز تهران مبنی بر خرید سالیانه ۸۰ تا ۹۰ فروند هواپیما در کلاس های مختلف احتمال اینکه هر دو شرکت بتوانند این سفارشات را در این مدت تامین کنند دور از انتظار است.

بر اساس برخی از گزارش های منتشر شده، ایران در یک دهه آینده به ۴۰۰ تا ۵۰۰ فروند هواپیما به ارزش حداقل ۲۰ میلیارد دلار نیاز خواهد داشت.(دوازدهم امرداد ۱۳۹۴ برابر با سوم اوت۲۰۱۵)

۱۰ـ نخستین فاینانس خارجی در صنعت پتروشیمی ایران

مدیرعامل شرکت پتروشیمی بین الملل از نهایی شدن مقدمات یک فاینانس کوتاه مدت خارجی برای صنعت پتروشیمی با احترام به توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ خبرداد.

عیسی مشایخی در گفتگو با خبرنگار شانا افزود: در مجموع بیش از ۱۵ میلیارد یورو برای توسعه طرحهای موجود شرکت هلدینگ خلیج فارس، در فاز مهندسی و مطالعه و پروژه های در دست اجرا و آینده نیاز است.

وی به قوانین و مقررات بین المللی

استعمارنو با حیله گری کارش را می کند!

سرمایه گذاری همچون قوانین (OCDE) مجموعه مقررات سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی اشاره کرد و گفت : هم اکنون رتبه اعتباری کشور ما نزد موسسات اعتباری و بیمه ای متاسفانه ۶ است در حالی که تا سال ۲۰۰۸ این رتبه ۴ بود. مشایخی با اشاره به رتبه اعتباری شرکت هلدینگ خلیج فارس در کشور گفت: در مذاکرات اخیر خود با سرمایه گذاران و شرکتهای خارجی توانستیم این شرکت را به عنوان یک شرکت معتبر بشناسانیم و امیدواریم بتوانیم منابع مالی خارجی را بعد از لغو تحریمها با اعتبار این هلدینگ تامین کنیم.

به گفته مرضیه شاهدایی، مدیر طرحهای شرکت ملی صنایع پتروشیمی این ۶۰ طرح در مجموع به ۳۳,۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارند و ظرفیت تولید صنایع پتروشیمی را دو برابر می‌کنند. ظرفیت فعلی ۶۰ میلیون تنی به ۱۲۰ میلیون تن در سال افزایش می‌یابد و تا پایان ۹۴ حدود ۶ یا ۷ طرح به ظرفیت ۲.۷ میلیون تن و در پایان سال ۹۵ حدود ۸ طرح دیگر به ظرفیت ۵.۸ میلیون تن راه اندازی خواهد شد.

به گفته کارشناسان بیشترین مشکل طرحهای پتروشیمی در دست اجرا تأمین فاینانس است اما مشکلات دیگری از جمله آورده سرمایه گذاران، تأمین خوراک در بالادست، تأمین دانش فنی، تأمین تجهیزات و اقلام و گرفتن خدمات از شرکتهای معتبر خارجی از جمله دیگر مشکلات این پروژه‌هاست که بخشی از آنها به شرائط تحریم باز می‌گردد.

به گفته مقامات صنعت پتروشیمی، کشورهای زیادی تاکنون علاقه خود را برای حضور دوباره درصنعت پتروشیمی ابراز کرده‌اند و در صورتی که تحریمها پایان یابد می‌توان از سرمایه گذاری و انتقال دانش فنی این کشورها در طرحهای توسعه ای استفاده کرد.(۱۲مرداد۱۳۹۴ - آ.د.ن.)

۱۱- عجله درمورد دست اندازی به بازار ایران به حدی بین شرکتهای انحصاری امپریالیستی هست که قبل از تصویب نهائی توافق اتمی درآمریکا دروین این شرکتها دست به کارشده اند:

ده روز بعد از اینکه ایران و قدرت‌های جهانی در وین به توافق جامع هسته‌ای دست پیدا کردند، پایتخت اتریش میزبان بزرگترین هیات اقتصادی دولت ایران در سالهای اخیر بود که برای تشویق سرمایه گذاری و تجارت با ایران به قلب اروپا رفتند. هرچند تحریم‌های وضع شده علیه ایران هنوز رسما لغو نشده‌اند ولی تحرک کشورها و شرکتهای اروپایی برای بازگشت به بازار ایران شروع شده است.

در اتاق کوچکی در طبقه دوم ساختمان "اتاق اقتصاد اتریش" در وین جمع کوچکی از مقامهای ایرانی و نمایندگان چند شرکت خصوصی منتظر انجام مراسم ساده ای بودند. امضای قراردادی به ارزش ۱۳۰ میلیون دلار برای طراحی، ساخت و آزمایش موتور خودرو با استاندارد یورو ۶ بین شرکتهای دانش-بنیان ایرانی و یک شرکت آلمانی-اتریشی.

بعد از توضیحاتی کوتاه، نمایندگان شرکتهای مورد اشاره، قرارداد را در حضور سورنا ستاری، معاون علوم و فناوری رئیس جمهوری ایران امضا کردند.

سید مجتبی میرسهیل مدیرعامل شرکت توسعه فناوری پتروپارس رایزن که نماینده طرف ایرانی بود گفت: "تقریبا دو سال روی این قرارداد کار کردیم ولی به امضا نرسید تا اینکه توافق هسته ای امضا شد. به لطف این قرارداد امیدواریم درآینده مصرف سوخت کم شده و هموطنانمان هوای پاک‌تری تنفس کنند."

خط تولید این موتورها که اولین مشتریانش شرکت سایپا خواهد بود، سالانه ۲۵۰ هزار موتور کم مصرف تولید می کند که به گفته سازندگان آن آلودگی اش برای محیط زیست خیلی کم است و مطابق جدیدترین استانداردهای اروپایی ساخته می شود.

این قرارداد کوچک که در حاشیه کنفرانس سرمایه گذاری و تجارت ایران و اروپا در وین امضا شد ممکن است **موج اول سونامی بزرگی از قراردادهای اقتصادی بین دو طرف باشد** که حالا به لطف رفع تحریمها در آینده نزدیک ممکن می شود.

محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران که سرپرستی هیات بزرگی از مدیران صنعتی و اقتصادی را در این کنفرانس به عهده داشت هنگام افتتاح آن گفت:"دیگر علاقه ای به واردات یک طرفه کالا و ماشین آلات از اروپا نداریم. بلکه چشم به تجارتی دوطرفه داریم که متضمن همکاری برای طراحی، توسعه، مهندسی و سرمایه گذاری مشترک و برای تولید و صادرات مشترک باشد."

هنگام افتتاح کنفرانس تقریبا ۴۰۰ نفر از فعالان اقتصادی ایرانی، اروپایی، آسیایی و حتی نمایندگان یک شرکت آمریکایی در سالنی که جای سوزن انداختن نداشت حاضر بودند. بعضی در انتهای سالن سرپا ایستاده بودند.

به گفته آقای نعمت زاده، بخش تولید پارسال با رشدی ۶.۷ درصد و معدن با رشد ۹.۸ درصد در خروج از رکود پیشگام بوده اند. رشدی که ادامه آن به گفته مسئولان ایرانی نیازمند سرمایه گذاری هنگفت داخلی و خارجی است.

مهدی کرباسیان معاون وزیر صنعت و رئیس هیات عامل ایمیدرو (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی) در سخنرانی خود به سرمایه گذاران اروپایی گفت: "امسال در بخش معدن ۹ میلیارد دلار سرمایه گذاری شده و تا سال ۲۰۲۵ (ده سال دیگر) نیاز به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه دیگر برای کشف و توسعه معادن هست."

یک سرمایه گذار بزرگ بریتانیایی که نخواست نامش فاش شود به بی بی سی گفت "فرصتهای سرمایه گذاری معادن ایران خیلی جذاب است. نگرانی من فعلا برخورد کنگره آمریکا با توافق هسته ای و بعد بوروکراسی اداری سرمایه گذاری در ایران است. اگر توافق و رفع تحریمها در کنگره به مشکل نخورد تا سه ماه دیگر به ایران خواهم رفت."

مقامهای وزارت صنعت، بخش خودرو را یکی از جذاب ترین بخشها برای سرمایه گذاری و تولید مشترک با طرفهای خارجی می دانند. آنها در کنفرانس وین گفتند قصد دارند تولید خودرو در ایران را تا ده سال دیگر تقریبا سه برابر کرده و به سه میلیون خودرو در سال برسانند.

شرکتهای پژو و رنو از اولین خودروسازانی بودند که وارد مذاکره با همتایان ایرانی خود شدند. مدیرعامل شرکت پارس خودرو به وال استریت ژورنال گفته است رنو برای خرید بخشی از سهام پارس خودرو علاقه نشان داده است.

هفته گذشته و در هیات تجاری آلمان که به ریاست معاون صدراعظم این کشور راهی ایران شد، نمایندگان شرکتهای دایملر بنز و فولکس واگن آلمان هم حضور داشتند

رنو از اولین خودروسازانی است که با شرکت‌های ایرانی وارد مذاکره شده است

اما جالب تر از همه اینکه وزیر صنعت ایران گفت می داند شرکتهای آمریکایی هم با همتایان ایرانی خود تماس گرفته اند. آقای نعمت زاده در نشست خبری کنفرانس وین گفت شرکت جنرال موتورز آمریکا با یکی از خودروسازان ایرانی وارد گفتگو شده ولی تاکید کرد این تماس در سطح دولتی نبوده است. آقای نعمت زاده اضافه کرد: "ما از حضور همه خودروسازان خارجی ازجمله آمریکایی ها استقبال می کنیم

ولی مشکل آنها در داخل آمریکا و ممنوعیتهای خودشان است."
صرف نظر از تحریمهای اقتصادی و مالی مربوط به توافق هسته ای که در ماههای آینده برداشته خواهد شد، وزارت دارایی آمریکا سالهاست سرمایه گذاری شرکتهای آمریکایی در ایران را منع می کند.
به گفته آقای نعمت زاده خودروسازان ژاپنی در برگشت به بازار ایران از همه عقب ترند.
وزیر صنعت ایران گفت "مشکل محافظه کاری بیش از حد ژاپنی هاست که ناشی از فرهنگ آنهاست... ما دیگر از ژاپنی ها سی کی دی (قطعات مونتاژ خودرو) نخواهیم خرید. آنها هم مثل اروپایی ها باید در تولید مشترک سرمایه گذاری کنند."
برخلاف ادعای نعمت زاده، ژاپونیها هم در راهند تا معاملات دندان گیری نصیبشان بشود:

۱۲- «ژاپنی‌ها در ایران به دنبال چه هستند؟

به گزارش اقتصادنیوز، روز گذشته هیات ۶۰ نفره ژاپنی با سرپرستی معاون وزیر اقتصاد ژاپن متشکل از مدیران صنایع گاز و نفت، بیمه و بانک این کشور به ایران آمدند و با رئیس کل بانک مرکزی دیدار کردند. امروز نیز این هیات با بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران دیدار داشت.
پس از مذاکرات این هیات با ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی قرار بر این شد که بانک‌های ژاپنی در ایران شعبی داشته باشند.
بنا بر اظهارات یاماگیوا، معاون وزیر اقتصاد ژاپن شرکت‌های ژاپنی در زمینه‌های برق و انرژی، محیط زیست، خودرو و کالاهای مصرفی و سایر بخش‌ها آماده همکاری با شرکت‌های ایرانی هستند.
به گزارش اقتصادنیوز، در همین حال رابطه تجاری دو کشور هم قابل توجه است.
میزان مبادلات تجاری بین ایران و ژاپن در سال گذشته در حدود ۲۵۳ میلیون دلار بوده که از این رقم در حدود ۲۲۰ میلیون دلار واردات ایران از ژاپن و ۳۳ میلیارد دلار صادرات ایران به ژاپن بوده‌است.
در این سال عمدتا کالاهایی نظیر دستگاه‌های مکانیکی، موتور پیستونی، محورهای محرک با دیفرانسیل، کاتالیزورهای تقویت‌شده، قطعات منفصله خودرو، جعبه دنده، رینگ موتور، چاقو برای جراحی چشم، لوازم مصرفی آنژیوگرافی، بیل مکانیکی و موارد دیگر از ژاپن به ایران وارد شده‌است.
همچنین کالاهایی نظیر کفپوش، مغز پسته، زعفران، سرب تصفیه شده، شوماک، انجیر، خرما، فرش، قیر و آسفالت، گلاب، تخم گشنیز، سفالینه، گبه، سنگ مرمر، آب آناناس، مبل فلزی، کتاب و بروشور، ظروف شیشه‌ای و غیره کالاهای صادر شده از ایران به ژاپن است.
پیش از این، در سال ۱۳۹۲ میزان واردات ایران از کشور ژاپن ۲۳۱ میلیون دلار و صادرات به این کشور ۳۵ میلیون دلار بود. در سال ۹۱ هم صادرات به این کشور ۵۷ میلیون دلار و واردات از این کشور ۵۳۳ میلیون دلار بوده‌است. در سال ۹۰ هم ایران وارداتی معادل هزار و ۱۷۱ میلیون دلار از کشور ژاپن و صادراتی معادل ۵۱۲ میلیون دلار به ژاپن داشت».
(آ.د.ن.۱۸مرداد۱۳۹۴)
اگر کنفرانس سرمایه گذاری وین و اظهارات مقامهای ایرانی ملاک باشد، گویا موتور سرمایه گذاری خارجی در ایران در بخش تولید خودرو به راه افتاده و منتظر برداشته شدن رسمی تحریمها هم نیست.»
امیر پایور بی‌بی‌سی (۲۷ ژوئیه ۲۰۱۵ - ۰۵ مرداد ۱۳۹۴)
باتوجه به آن چه که گذشت و دهها سال اعمال تحریم اکنون این مهمانان ناخوانده با سلام و صلوات و بدون شرم از اعمالی که انجام داده اند به ایران برمی گردند.باید درایران پرچم ضد قراردادهای نواستعماری را هرچه برافراشته نگه داشته و بعداز تحمیل تحریمها شاهد غارت ثروتهای طبیعی(نظیر قرارداد کنسرسیوم نفت بعداز کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲) و استفاده از نیروی کارارزان نباشیم.

تفسیر روز - ۱۷ مرداد ۱۳۹۴

در ۲۷مین سالگردکشتار...
بقیه از صفحه اول

ازدست دادن عزیزانشان را ازیادبرده باشند.
درحالی که حاکمان به صورتی بی چاره و زبون و رفتاری کورکورانه وزمخت درسطح عدالت جهانی، ولی بسیارآگاهانه به خاطر حفظ حاکمیت خونین ضدانسانی شان درسکوتی گورستانی فرورفته اند!
اگراکنون سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی رابرگزارمی کنیم، و یادآنان را پاس می داریم، و ازقهرمانی آنان درمقابل ستمگران می آموزیم، این حرکت ما درصورتی از جنبه سوء استفاده از یادآنان بری خواهدماند و ازتقلید برگزارکننده گان سوگواریهای محرم فراترخواهدرفت که وحدت اراده و عمل جانباخته گان دهه ی ۶۰ را به یادآورده و تمام آنانی که خودرا مدافع طبقه کارگر و ازبین بردن مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله معرفی می کنند درصفی واحد و با دور ریختن ایده ئولوژی فرقه گرایانه خرده بورژوائی، مبارزه با حاکمان جاهل و شقی را یک دل و یک جان به پیش ببرند و فراموش نکنند که با تفسیرهای متفاوت از جهان و بدون متحد نمودن توده ها که سازنده گان تاریخند، امکان تغییر به وجودنخواهندآورد و ازمیان برداشتن نیروهای جهل و ظلم حاکم نیاز به حرکت میلیونی متحدکارگران، معلمان، پرستاران، بازنشسته گان، دانش جویان و دیگر ستم دیده گان دارد و بدون ایجاد حزب واحد سیاسی پیشرو طبقه کارگر مبارزه درتفرقه به سان آب درهاون سائیدن است.
گروهی گری و سرسختی در ادامه دادن به تفرقه ، نشان روشنی است از نداشتن ایده ئولوژی طبقه کارگر که بیش از ۱۵۸ سال پیش است که توسط آموزگاران این طبقه - مارکس و انگلس - به صورت: "کارگران همه ی کشورها متحد شوید!" حسن ختام "مانیفست حزب کمونیست" گردید و اگر ما شاگردان شایسته دراین کلاس درس طبقاتی باشیم ضروری است بدون وقفه علیه فرقه گرائی دست به شورش زده و روند وحدت اصولی و انقلابی را باتکیه به علم کمونیسم سربلندانه شروع کرده و اززیر خروارها بار ایده ئولوژیک فرقه گرایانه و خودستایانه خرده بورژوائی خود را رهاسازیم تا شاهد اوج گیری شکوهمند رشدانقلاب کارگری باشیم که روبیدن خارهای بی مصرف گذشته که بربرمنشانه محاصره ی ۸۰ میلیون مردم زجر کشیده و استثمارشده و ستم دیده ی ایران را به عهده گرفته اند، نجات داده و قادرشویم به عزیزان مادر، خواهر، زن و دختر بی گناهمان باخجلت نگاه نکرده و مانع آن شویم که تا این حد به ابتدائی و انسانی ترین حقوق آنها دست درازی شده و با سربلندی زنده گی کنیم.
به این اعتبار این گرامی داشتها درصورتی پربار خواهندشد که نسیم دلنواز وحدت پیشروان کارگری را متحقق سازند.
درغیراین صورت نقش سوء استفاده از مبارزات جان باخته گان را بازی خواهندکرد.

اما نه با قدرقدرتی درابتدای تجاوزاتش بعدازجنگ جهانی دوم!

مطالعه گزارشی از زندان تبریزکه در زیرمی آید نشان می دهد که اعدامهای جمعی افسارگسیخته درسال ۶۷ به دستور خمینی جلاد هم اکنون درسطح دیگری ادامه می یابد.

برگزاری یاد جانباخته گان بدون پیروی از عمل آنان درواپسین دم زنده گی شان، فریبکارانه است!

برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

برای آزادی هزاران زندانی عادی و جوانان درآستانه ی اعدام مبارزه کنیم!

علیه شکنجه و علیه اعدام کلیه زندانیان به پا خیزیم!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم رهاکننده ی انسانها از مرارتهای مناسبات استثماری!

حزب رنجبران ایران

ـ ۱۲ مرداد ۱۳۹۴

مصاحبه کمیتهٔ اقدام کارگری با کسی (از زندانیان زندان مرکزی تبریز که طی ماه های اخیر آزاد شده است)

مصاحبه کمیتهٔ اقدام کارگری با فردی (از زندانیان زندان مرکزی تبریز که طی ماه های اخیر آزاد شده است)

گزارش های دریافتی از زندان های داخل کشور حاکی از وضعیت بسیار نابسامان زندان ها و تشدید فشارها درمورد زندانیان سیاسی وعقیدتی است. در این خصوص گفتگویی کوتاه با یکی از زندانیانی که اخیراً از زندان مرکزی تبریز آزاد شده است، داشته ایم.

ـ کمیتهٔ اقدام کارگری: از داخل زندان مرکزی تبریز گزارش های زیادی توسط گزارشگر افتخاری حقوق بشر در اختیار سایت ها و رسانه ها قرار گرفته است؛ ضمن تشکر از فعالیت های شما در زمینهٔ افشاگری وضعیت اسفناک زندان تبریز، آزادیتان را تبریک می گوییم. شما وضعیت زندان های داخل کشور و زندانیان سیاسی و عقیدتی را در حال حاضر چگونه ارزیابی می کنید؟

ـ با تشکر از شما. ازهمان سال های اولیهٔ دههٔ شصت و بر مسند قدرت نشستن جمهوری اسلامی ایران، تاکنون که سی و اندی سال از آن می گذرد، همواره زندان ها محل شکنجه وکشتار دگراندیشان، دگرباوران و دگرباشان بوده و هست که نمونهٔ بارز آن فتوای ننگین خمینی در مورد کشتار فله ای زندانیان سیاسی در سال شصت و هفت بود، و بعد از آن نیز با پرونده سازی های کذب و دروغین با اتهامات واهی علیه فعالین، رژیم موج ایجاد رعب و وحشت و سرکوب را در جامعه گسترانیده است. در شرایط فعلی نیز با توجه به مناسبات سیاسی جهانی و بحران های اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور طی سال های اخیر و شدت گرفتن نارضایتی ها و اعتراضات مردمی حول خواسته های اساسی و اولیهٔ حقوق انسانی و معیشتی و پتانسیل بالایی که جنبش های اجتماعی و آزادیخواهانه از آن برخوردارند و نقش اساسی کنشگران و فعالین که به نوعی آوانگارد این اعتراضات و جنبش ها محسوب می شوند، شرایط زندان ها وخیم تر شده است. ایجاد اتحاد و یکپارچه کردن این اعتراضاتِ به شدت گسترده ولی پراکنده برعهدهٔ این فعالین است و ترس و وحشت رژیم از این جنبش ها باعث شده است روز به روز بر شدت سرکوب افزوده شده و پرونده سازی های مکرر، محکومیت ها و تحت فشار قرار دادن فعالین و پیشروان به صورت سازمان یافته توسط رژیم دامن زده شود. افزایش چشمگیر تعداد اعدام ها، موج دستگیری ها و وضعیت اسفناک زندان ها و فشارهای مضاعف به خصوص بر زندانیان سیاسی و عقیدتی در داخل زندان ها، خود زبان گویای این شرایط است. و زندانیان سیاسی و عقیدتی تحت شدیدترین شکنجه ها و فشارهای جسمی و روانی، محروم از دارو و درمان، حتی در حین تحمل حبس و گذراندن محکومیت خود با پرونده سازی های واهی دیگری نیز مواجه هستند و در حال حاضر باید مبارزه برای آزادی و دفاع و حمایت از این زندانیان به عنوان محور مشترک و نقطهٔ اتصال و اتحاد مبارزاتی تمامی فعالین و کسانی باشد که به نوعی معترض به شرایط فعلی جامعه هستند، با حق آزادی گرایش های فکری خود.

ـ کمیتهٔ اقدام کارگری: به طور کلی وضعیت زندان تبریز در حال حاضر چگونه است؟

ـ زندان تبریز از قدیمی ترین زندان های داخل کشوراست که هم اکنون با ظرفیت مربوط به بیش از ۳۰ سال قبل، چندین برابر ظرفیت خود، متغیر از سه هزار و پانصد تا پنج هزار زندانی را در خود جای داده است. زندان تبریز فاقد استانداردهای سازمانی و بین المللی است و حتی آیین نامه های داخلی مربوط به سازمان زندان ها نیز در آن رعایت نمی شود. تفکیک بین زندانیان و بندها بر هیچ قانون و عقل و منطقی استوارنیست. بند سیاسی در آن وجود ندارد و برای تحت فشار قرار دادنِ زندانیان سیاسی و عقیدتی به صورت کاملاً سیستماتیک، این زندانیان اغلب در بند کار درمانی ۱۲ محکومین یا همان بند روان درمانی، و بند متادون در بین معتادان مواد مخدر، بیماران آلوده به ایدز و زندانیان خطرناک، اشرار و زندانیانی که دارای تعادل روانی نیستند، نگه داری می شوند. و این موضوع، اتمسفر بسیار اسفناک و خطرناکی را برای زندانیان سیاسی ایجاد کرده است. طبق آیین نامهٔ داخلی سازمان زندان ها، تفکیک زندانیان باید بر اساس نوع جرم، میزان محکومیت و شرایط سنی و ... باشد که عدم تفکیک قانونی و عقلانی بندها و زندانیان در زندان تبریز مشکلات بسیار زیاد دیگری را در پی دارد. اعتیاد و خرید و فروش علنی مواد مخدر، شیوع انواع بیماری ها، مورد سوء استفاده و تجاوز جنسی قرار گرفتن کودکان و نوجوانان، از دیگر مسایلی می باشد که متعاقب این عدم تفکیک است.

با توجه به کمبود فضا، بندهای زندان تبریز

از تراکم بسیار بالایی برخوردارند، طوری که حتی تعداد قابل توجهی از زندانیان تخت ندارند و پتو و امکانات رفاهی و بهداشتی موجود در بندها جوابگوی نیاز زندانیان نمی باشد. جیرهٔ غذایی در بدترین و بی کیفیت ترین وضعیت ممکن است و زندانیان مجبور به تهیهٔ غذا با هزینهٔ شخصی خود در آشپزخانهٔ غیربهداشتی و کوچک بندها هستند. ویزیت پزشک عمومی و استفاده از امکانات ناچیز بهداری زندان برای هر زندانی و حق ملاقات حضوری برای هر زندانی فقط یک بار در ماه میسر است. حمام و سرویس بهداشتی نیز به اندازهٔ کافی نیست و اغلب صف های طولانی برای استحمام چند دقیقه ای و خرید از فروشگاه بندها به وجود می آید. اجباری بودن شرکت در مراسم مذهبی، کلاس های روان درمانی، پوشاندن لباس مخصوص زندان حین بدرقه به دادگاه، توهین و رفتار غیرانسانی با خانوادهٔ زندانیان در حین ملاقات و

بورژوازی حاکم بر ایران هرگز قادر به پاک کردن جنایت اعدام زندانیان نخواهندشد!

شکنجه های وحشیانهٔ جسمی زندانیان از دیگر مواردی هست که در این زندان وجود دارد که این شکنجه ها صدمات جبران ناپذیر جسمی در پی دارد و در مواردی حتی زندانی جان خود را از دست داده است.

– کمیتهٔ اقدام کارگری: آخرین گزارش های ارسالی شما از زندان حکایت از اعدام کودکان و نوجوانان داشت. با توجه به این که در حوزهٔ حقوق بشری فعالیت دارید، اساسی ترین موضوعی که از منظرحقوق بشر در مورد این زندان می توان مطرح کرد چیست؟

اساسی ترین موضوعی که از منظر حقوق بشری باید در خصوص این زندان مطرح کرد موضوع اعدام و سنگسار و حقوق کودکان است. هم اکنون در زندان تبریز صدها نفر زندانی محکوم به اعدام با جرایم مواد مخدر و قتل و لواط و.. وجود دارد و سالانه حدود دویست نفر در این زندان اعدام می شوند. و دو زندانی دیگر نیز هم اکنون به جرم زنای محصنه، محکوم به رجم یا همان حکم ضد بشری سنگسار هستند. علاوه بر آن مورد سوء استفاده و تجاوز جنسی قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در این زندان بیداد می کند. اجرای حکم اعدام در زندان تبریز طی سال ها و ماه های اخیر به شدت افزایش یافته است. به خصوص در مورد نوجوانان متهم به قتلی که به سن قانونی رسیده اند، بدون هیچ گونه توجهی به شرایط سنی و روانی این متهمین حین ارتکاب قتل اجرا می شود. بر اساس قوانین حقوق بشری موجود جرایم ارتکابی کودکان و نوجوانان با توجه به شرایط سنی ارتکاب جرم باید در دادگاه ویژه رسیدگی شود. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک که کاملترین سند فعلی حقوق بشری مربوط به کودکان در دنیاست که ایران نیز درتاریخ چهاردهم شهریور هزار و سیصد وهفتاد (۱۳۷۰/۶/۱۴) آن را امضا کرده است و مادهٔ ۳۷ این پیمان نامه جهانی در مورد ممنوعیت اعدام کودکان و نوجوانان می باشد که در ایران علیرغم امضای این پیمان نامه، حکم ضد بشری اعدام در خصوص کودکان و نوجوانان به اجرا درمی آید.

– کمیتهٔ اقدام کارگری: آیا آمار و ارقام دقیقی درمورد اعدام نوجوانان در زندان تبریز و اسامی و تاریخ آن وجود دارد؟ درمورد تجاوز جنسی به کودکان و نوجوانان و قربانیانی که بر اثر شکنجه جان خود را از دست داده اند چه طور؟

– تعدادی از اسامی و شرح این جنایات قبلاً در سایت ها منتشر شده است و در صورت نیاز حاضر به ارایهٔ گزارش های دقیق و کامل به خصوص از مواردی که در طول تحمل حبس در این زندان شاهد آن بوده ام، هستم.

– کمیتهٔ اقدام کارگری: ضمن آرزوی موفقیت برای شما از شرکت در این مصاحبه تشکر می کنم.

– من هم از شما تشکر می کنم .

کمیتهٔ اقدام کارگری –
مورخه ۱۳۹۴/۵/۱۰

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

زنده ماندن جنایات ۷۰سال پیش...

بقیه از صفحه اول

وحشتناک آن و بالاخره آسیب دیدن افرادی که درمحل انفجارنبوده و دراثر موج انفجار، گرمای حاصل ازآن به شدت آسیب دیده بودند و زنده مانده اند، هنوزهم ازعواقب آن جنایت ضدبشری رنج می برند. امروز نیروهای اشغال گرآمریکا درژاپون اُتراق کرده اند، و برای حفظ سلطه ی خود درآسیا حاضرنیستند نه تنها از ژاپون بلکه از کره جنوبی و فیلیپین خارج شده ، به استقلال این کشورها تجاوز را ادامه داده و دراندیشه ی ساختن پایگاهای نظامی جدیدازجمله دراسترالیا هستند.

در سراسر جهان مردم هرسال به خاطر اعلام نفرت خود از این حادثه ی دردناک دست به تظاهرات علیه استفاده از سلاح کشتارجمعی می زنند و کمونیستها درپیشاپیش این تظاهرات فعالانه شرکت کرده و شعار نابودکردن زرادخانه های بمبهای هسته ای تکامل یافته و نابودی کلیه ی این سلاحهارا درصدر شعارهای خود قرارمی دهند.(رجوع شود به اعلامیه ها و تظاهرات اعضای ایکور درجهان)

امروز به قدری قبح ساختن بمب هسته ای ریخته که به بهانه ی داشتن سلاح نیرومند دفاعی و علارغم پیمان جهانی مخالفت با گسترش ساختن سلاحهای هسته ای تعداد کشورهای سازنده این سلاح درحال افزایش می باشند و ازهمه بدتر این که باوجود بحران شدید اقتصادی و مالی وعدم توانائی کشورهای امپریالیستی درپایان دادن به آن و شاخ و شانه هائی که این روزها ناتو با کشورهای روسیه و چین می کشد و هژمونی ۷۰ ساله ی امپریالیسم آمریکا روبه زوال گذاشته شده و این امپریالیستها قدرت رقابت خودشان را ازدست داده اند، به مصداق : «وقت ضرورت چو نباشدگریز — دست بگیرد لب شمشیرتیز!» لازم و ضروری است که امروزشعار نابودی بدون قید و شرط و فوری کلیه سلاحهای هسته ای را باید مردم جهان و درپیشاپیش آنان طبقه کارگر جهان سرداده و بالابردن آگاهی را حتا درمیان نیروهای سرکوبگرامپریالیستها تا بدان حد بالابرند که درصورت تصمیم ستادهای فرماندهی امپریالیستی به انجام جنایت دیگر بمب اتمی ریختن برسر مردم، نیروهای نظامی مانع از آن شوند و دراین زمینه ارتشهای امپریالیستی نقش مهمی در مجهز شدن به چنین آگاهی را دارند.

کارگران و زحمت کشان، روشنفکران

و مردم مدافع صلح بین ملتها، ضروری است درمبارزه علیه جنگ افروزی امپریالیستی با ایکور هم آواشده و پاسیو نمانند تا قدرت ابتکار و مقابله را ازدست ندهند.

گرامی باد یاد صدها هز ار مردم ژاپون آسیب دیده در جنگ جهانی دوم !
خاطره جان باخته گان دوشهرهیروشیما و ناکاساکی را زنده نگه داریم!
مرگ بر امپریالیستها، صهیونیستها و سرمایه داران جنگ افروز!
زنده باد صلح و دوستی ملل جهان
دراحترام به حق حاکمیت هرکشور!
زنده باد آزادی و زنده باد سوسیالیسم!
حزب رنجبران ایران - ۱۸مرداد ۱۳۹۴

وحشت جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه اول

تشدید بی سابقه تضادهای درونی رژیم، و با فروپاشی مناسبات اقتصادی اجتماعی سیاسی حاکمیت اسلامی به عنوان فاسدترین کشور جهان، با بالاترین آمار بیکاری، گرانی، فقر، ارتشاء و اختلاس، دزدی ثروت های ملی که«مقام عظمای ولایت» را به مقام عضویت در جمع مولتی میلیادرهای جهان (یعنی رهبر مسلمین جهان، ولی امام زمان و نماینده خدا در روی زمین و جاری کننده عدالت و عطوفت اسلامی یکی از ۶۷ مولتی میلیاردر جهان است،) این نماینده خدا روی زمین در حالی چنین ثروت عظیمی را از مردم ایران غارت کرده است که ۸۰ در صد مردم ایران زیر خط فقر دست و پا می زنند. با توجه به چنین شرایطی و در نتیجه با اوج گیری جنبش انقلابی ستمدیده گان به تنگ آمده از بهره کشی و سرمایه داری و نابرابری، و آگاه شده از بن بست لیبرال ها و اصلاح طلبان حکومتی، مارکسیسم به عنوان تئوری انقلابی شناخت قوانین تکامل جامعه، و علم انقلاب حاکمیت بلاواسطه شورای دمکراتیک کارگران و زحمتکشان در دستور روز قرار گرفته است؛ و این یعنی ناقوس مرگ ریشه ای ستمگری و بهره کشی، بدین سبب است که خامنه ای در وحشت از رشد مارکسیسم در دانشگاه ها به دانشجویان اخطار می کند. تلویزیون جمهوری اسلامی در دادن آدرس غلط در تواب سازی قرون وسطایی دهه شصت رژیم، در ندامت رهبران حزب توده، آنان را الگوی مارکسیسم نشان میدهد! کیهان ، حسین بازجو یکی از آمرین و عاملین کشتار دهها هزار نفری دهه ۶۷ گله می کند که چرا تلویزیون این برنامه تواب سازی را در زمان پر بیننده و همه کانال ها نشان نمی دهد. این مسئله در عین هراس مرگ آور رژیم از گسترش مارکسیسم انقلابی، به عنوان تنها راه رهایی از استثمار و حاکمیت مستقیم توده ها بر سرنوشت خود، از سوی دیگر عمل تکمیلی نرمش قهرمانانه و سنگ تمام گذاشتن جمهوری اسلامی در جهت نوکری برای «شیطان بزرگ» و سرمایه داری جهانی است، که دشمن قسم خورده سوسیالیسم و حاکمیت کارگری می باشد. جمهوری اسلامی می خواهد به اربابانش نشان دهد و غیر مستقیم و مستقیم به آنها گزارش می دهد، که از طرح گوادلوپ و شکست انقلاب ۵۷ و کشتار انقلابیون تا کنون وظایف اش را به خوبی انجام داده است."

"واقعیت این است که جمهوری اسلامی به عنوان فرزند واقعی امپریالیسم جهانی با آدرس غلط، آگاهی کاذب، و انحراف انقلاب شکوهمند ۵۷ از ایجاد حاکمیت شورایی کارگران بوده و می باشد. این هیولای سرمایه داری از بدو تولد منحوس خود، نطفه اش را با کشتار دهها هزار نفری کمونیست ها و دمکرات های انقلابی بسته است. .. بهتر از همه می دانند سوسیالیسم یعنی انقلاب برای نفی ستم و استثمار، یعنی آزادی و برابری و عدالت اجتماعی، سوسیالیسم یعنی دمکراسی واقعی در اداره شورایی، دمکراتیک، مستقیم و بلاواسطه کارگران و ستمدیده گان بر سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود. چرا از مارکسیسم به عنوان علم شرایط رهایی ستمدیده گان وحشت نکند؟ ...طبقه ۵۰ میلیونی کارگران ایران یا اکثریت مطلق جمعیت کشور به عنوان نیروی اصلی انقلاب با حاکمیت شورایی دمکراتیک باید با تکیه بر کمونیسم به عنوان علم شرایط رهایی کارگران، از طریق ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر، نیروی خودش را از ناآگاهی و پراکندگی نجات دهد، که چاره کارگران وحدت و تشکیلات است. ایجاد، اتحادیه های سراسری (فدراسیون)، با شرکت تمام تشکلات مستقل و نیروهای آگاه و پیشرو کارگری، و ایجاد هسته و سلول های سیاسی سازماندهی سوسیالیستی در محیط کار و زندگی کارگران، به عنوان سکان های پایه حزب سیاسی کارگران، بر اساس اعتقاد به حاکمیت کارگری، دو بستر مکمل و تقویت کننده برای سازماندهی و تشکل سراسری طبقه کارگر در مقابل طبقه و دولت و احزاب سرمایه داری، برای محو انقلابی بهره کشی و حاکمیت شورایی آنان می باشد. در این راستا دانشجویان کشور مانند تمامی تاریخ مبارزات انقلابی سوسیالیستی، به عنوان آگاه گران آگاهی سوسیالیستی، نقش حیاتی در ایجاد محافل مطالعاتی و سلول های سازمانده کمونیستی دارند و باید به نقش تاریخی انقلابی خود عمل کنند.»(همان جا)

وقتی که سرکوب، شکنجه، محکومیتهای طولانی مدت، اعدامهای فله ای، جواب گوی خواست ضدبشری آنها نمی شوند، تنها راه را در شکنجه دادن وحشیانه و وادار به تسلیم نمودن برخی از سست عنصران به تواب شدن و حتا آماده شدن در برابر دوربین تلویزیون تا با خواندن نظر شکنجه گران به رد مارکسیسم بپردازند را بهترین راه حل بی اعتبارنمودن کمونیسم علمی تشخیص می دهند چون که از درک معیوب و ناقص این حضرات ازاین بیشتر نمی توان انتظارداشت. اما انسانهای مبارز و آزاده ای که به خیمه شب بازیهای تلویزیونی نگاه می کنند جز استهزاء روش مفلوک شکنجه گرا ن حاکم ارمغانی برای حاکمان نمی آورند چون که انتظاربیشتر داشتن ازحاکمان دراحترام گذاشتن به آزادی اندیشه انسانها، انتظاری بیهوده است.

بدین ترتیب نه به دروغ درباغ سبز بهشت را نشان دادن، نه شکنجه و اعدام و زندان، نه خیمه شب بازی نفرت انگیز اقرارگیری تلویزیونی هیچ کدام موثر نیافتاده و نفوذ کمونیسم علمی روزبه روز نه تنها درایران بلکه درسراسرجهان روبه افزایش گذاشته و مردم جهان می بینند که جهان زیر سلطه ی سرمایه انحصاری جز کشاندن بیش از ۷میلیارد مردم کارگر و زحمت کش به فقر و فاقه، آلوده ساختن کره زمین و اقیانوسها ، تحمیل جنگهای ناعادلانه برای کشاندن کشورهای کوچک جهان به زیر سلطه ی استعمارنو و دریک کلام غیرقابل زیست نمودن کره خاکی، روزبه روز نفرت بی پایان شان را ازطریق برگزاری اعتراضات میلیونی اعلام می کنند و برای نجات زنده گی کودکان خود درآینده، برای ازبین بردن نظام ستمگر و جبار سرمایه داری آماده می شوند و دراینجاست که مارکسیسم و کمونیسم علمی مشعل فروزان راهنمای میلیاردها انسان تحت استثمار و ستم قرار می گیرد و خیمه شب بازی به کمک طلبیدن مدافعان مذاهب نظیر وحشیان داعشی و شکنجه گران با جیره و مواجب، راه حل نجات

مَه (بخوان مارکسیسم) فشاند نور و سگ عوعوکند!

آنها نبوده و کمونیسم علمی به مثابه چراغ راهنمای رهائی بخش جهانیان هرگز خاموش نخواهد شد و کره زمین را از غیرقابل سکونت شدن نجات خواهد داد.
ـ کمونیسم تنها راه رهائی بشریت ازتخریب کره زمین و کشتارجمعی است!
ـ کمونیسم تنها راه رهائی بشریت از استثمار و ستم و ازخودبیگانه گی است!
ـ کمونیسم تنها راه گذار به دنیائی است زیبا، بدون طبقه وگرسنه گی و بدون هراس از ناخوشیها!
ـ کمونیسم انسان ازخود بیگانه شده را نجات داده و دوستی و عشق و احترام را ترویج می کند!
ـ پس زنده باد کمونیسم، زنده بادآزادی، زنده باد سوسیالیسم درگام اول پیش روی به سوی جهانی آزاد! مرگ بر رژیم ارتجاعی استثمارگر و ستم گر حاکم درایران !
حزب رنجبران ایران ـ ۲۵ مرداد ۱۳۹۴

★

تاملی درمورد کتاب حلقه ی گمشده

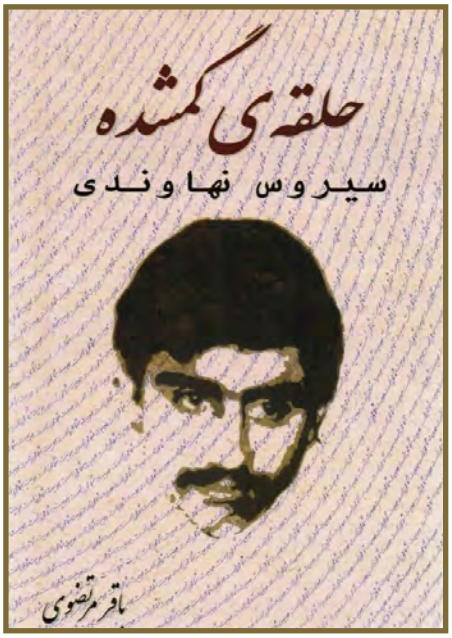

باقرمرتضوی گرامی ازاین جانب خواست تا نظرم را درمورد کتاب "حلقه ی گمشده" هرچه زودتربه ایشان بفرستم.
من باکمال میل حاضربه این امرهستم متاسفانه هنوز به طور کامل کتاب رانخوانده ام تا بتوانم درارزیابی از آن دچار ذهنیگری نشوم و اگرهم شدم امید به اینکه قابل گذشت باشم. ولی درحدی که خوانده ام نظراتم را ارائه می دهم:
۱ـ ما درکشوری زندگی می کنیم که سابقه ۲۶۰۰ سال حاکمیت استبدادی، زورگوئی داشته و براساس آن سرکوب، شکنجه های جسمی و روانی و کشتار نیزروالی عادی داشته واین جنایات را چنان رواج داده اند که ما می بینیم حتا دریک خانواده برادرکوچک به خواهربزرگترازخودش زور می گوید و امر تربیتی جز با نهیب وفحاشی و کتک زدن در خانواده راه حل دیگری ندارد و بدین ترتیب اولا به هرمامور نظامی و انتظامی رژیم یادداده اند که مستبدانه درقبال مردم عمل کند و ثانیا به علت ضرورتها مجموعه اشعار ونظرات زیبائی از اندشمندان و شاعران گذشته مان سروده شده اند درمذمت زورگوئی و پاسداشت از احترام و رفتار انسانی. ولی درجو دیکتاتوری تاثیرلازم را نداشته که می گوید: چو عضوی بدرد آورد روزگار ـ دگرعضوها را نماندقرار؛ توکزمحنت دیگران بی غمی ـ نشاید که نامت نهندآدمی تاثیرشایسته خود را در روشنگری و تربیت افراد نداشته اند.
اخیرا شاهد بخش اول برنامه ای تلویزیونی صدای آمریکا بودم که درآن درباره عملکرد و ماهیت ساواک بحث می شد و علارغم اینکه یکی از زندانیان سیاسی دوران نظام پهلوی گفت که ساواکیها ازجمله سوزن داغ را زیر ناخنهایش فرو می کردند و شلاق می زدند ولی یکی از مسئوولان ساواک با ایده ئولوژی درنده خو، وجود شکنجه مستمر را توسط شکنجه گران آن نمی پذیرفت!!؟ امری که نشان می داد درچه حدی امر شکنجه کردن شهروندان درایران رواج دارد که این عمل شنیع را ماموران حق خود ونه تجاوز به حقوق انسانها می دانند!
۲ـ درچنین شرایطی برخی قهرمانانه زیر شکنجه های قرون وسطائی جان شیرین خودرا ازدست می دهند و برخی مقاومت دربرابر دشمن را ازدست می دهند و دست به اعتراف می زنند که نتیجه اش گرفتارشدن عده زیادی ازمبارزان ضد رژیم و جان باختن برخی از آنان می شود. چنین رفتاری نه نشانه قدرت جلادان رژیم بلکه نشان دهنده ی عمق وحشی گری و حیوان شدن آنها می باشد.
۳ـ درک این واقعیت توسط نیروهای سیاسی ایجاب می کند تا درصورت بروز چنین پدیده ای نیروهای سیاسی دیگر را به لجن نکشیده و اگر نقدی برآن دارند به طور مستدل بیان کنند. چنین رفتاری در دوران رژیم سلطنتی صورت نگرفت و نیروهای سیاسی درس لازم را از تاریخ مبارزاتی نگرفتند. دشمنی و برخورد حقیرگروه گرایانه و خرده بورژوائی به اوج رسید و اگر مجموعه برخوردهای غیرمعقول و غیرسیاسی نیروها به نیروهای دیگررا ازنظر بگذراتیم به قول معروف مثنوی ۷۰ من کاغذ می شود و تاثربرانگیزاست که به خوبی درکتاب فوق الذکر بیان شده و اطلاعات ارائه شده درمورد سیروس نهاوندی درگذشته بی تاثیرماندند. امید براین که این کتاب درس خوبی را به فرقه گرایان بتواند بدهد.
۴ـ براین اساس به اصل مطلب یعنی بررسی کتاب می پردازم:
موضوع این کتاب حلقه ای گمشده نبوده و دروقت خود تشکلها و افراد درگیر روشنگری نموده ونظرخودرا داده اند که سیروس نهاوندی درزمان دستگیری عضو سازمان انقلابی نبود. ولی این که دراین کتاب تلاش فراوانی شده است تا نشان دهد سیروس نهاوندی نه از طریق عضویت در سازمان انقلابی، بلکه مستقلا هرکاری که کرده ربطی به این سازمان نداشته ولی بسیاری عکس آن را در افشای این سازمان گرفتند، که متاسفانه منظور تخریب را داشتند وموفق به نشان دادن و اثبات آن نشدند. به طوری که حتا نظرات، مبارزات و جانبازیهای اعضای سازمان انقلابی نه تنها برجسته نشد، بلکه درحدی مغشوش گشت که جانباخته گان آن نظیر معصومه و وفا دراعلامیه هائی پس ازانقلاب بهمن عضوچریکهای فدائی خلق معرفی شدند. به این اعتبار بیان شکستها دراین کتاب، نتیجه ای جزبی فایده بودن مبارزات ارائه نمی دهد. مطمئنا موضع باقر این نبوده که این واقعیات را نشان ندهد، ولی درعمل به دلیل برجسته شدن جستجوی کتاب حول "حلقه ی گمشده" وحرکتهای سیروس نهاوندی به واقعیات مبارزه اعضای سازمان انقلابی توجه نشده است.
۵ـ سازمان انقلابی درخارج ازکشور با انشعاب ازحزب توده ایران به خاطر عدول از کمونیسم علمی و سقوط کامل به رویزیونیسم مدرن رهبری این حزب، بزرگ ترین مبارزه ایده ئولوژیک ـ سیاسی ـ تشکیلاتی ـ سبک کاری ـ شیوه رهبری را با رهبری آن حزب پیش برد و به قول رهبری حزب توده بزرگ ترین انشعاب را درآن حزب ایجادنمود. این دستاورد بزرگ اصولی بود که این سازمان نوپا و جدا از طبقه کارگر و توده ها توانست با همگام شدن با جنبش جهانی کمونیستی در طرد انحرافات نظری به دفاع از اصول کمونیسم علمی بپردازد. برخی

از دستاوردهای این سازمان عبارت بودند از:
- تبلیغ انقلاب کردن دربرابرهمزیستی، رقابت و گذارمسالمت آمیزرویزیونیستهای مدرن ورهبری حزب توده؛
- دفاع از دستاوردهای انقلاب چین توسط حزب کمونیست چین به رهبری مائوتسه دون؛
- ضرورت ایجاد حزب کمونیست ایران ازطریق وحدت مارکسیست - لنینیستهای موجود به علت فقدان چنین حزبی؛
- تبلیغ ضرورت پیوند فشرده با طبقه کارگر و جنبشهای توده ای و به این اعتبار انتقال رهبری به داخل ایران؛
- برافراشته نگه داشتن انترناسیونالیسم پرولتری و شرکت در جنبشهای ملی و دفاع از حق ملل درتعیین سرنوشت خویش؛
- تحلیل ایده ئولوژیک - سیاسی از جنبش سیاسی آگاه طبقه کارگرایران (حزب کمونیست ایران ۱۳۴۸ و نشان دادن ماهیت غیرپرولتری نظرات رهبری حزب توده ایران در۱۳۵۰) و به این وسیله غنیساختن درک تئوریک فعالان کارگری کمونیست؛
- شرکت فعال درسیرتکوین و تولد فعالیت سازمانهای دموکراتیک دانشجویان ایران درخارج ازکشور درکنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایران و تاثیر مبارزات این تشکل سراسری درافشای رژیم شاه و دفاع از مبارزان دستگیرشده توسط آدمکشان آن رژیم؛
- گسیل اعضاء به ایران برای مبارزه دردرون طبقه کارگر و تحقق پیوند مبارزاتی استوار؛
- نهراسیدن از قرباتی دادن رفقا درداخل که تعداد قابل ملاحظه ای استوارانه دربرابر حاکمان تسلیم نشده و شکنجه های سختی را متحمل شدند.؛
- نقد حرکت مبارزه مسلحانه جدا از توده ها، ضمن دفاع ازمبارزان چریکی دربرابر رژیم؛

این دستاوردها درصورت نبودن موضع و مشی خرده بورژوائی رقابت نا سالم دردرون جنبش چپ می توانستند وحدت کمونیستها را در مبارزه مشترک فراهم سازند. ولی فرقه گرائی و نفی سازمان انقلابی درهماهنگی با رهبری حزب توده غالب شد. به خصوص که در برخی زمینه ها نظیر ساختار جامعه ایران رهبری سازمان انقلابی درخارج از کشور روی نیمه مستعمره - نیمه فئودال بودن ایران تاکید داشت که گامی منفی برای پیشروی تئوریک سازمان انقلابی به حساب می آمدند و خوشبختانه رفقای رهبری درداخل به تصحیح آن پرداختند و دیری نپائید که آن رفقامورد ضربه ساواک قرارگرفته و جان باختند.

۶- انتظار ما از کتاب حلقه گمشده این است که می بایستی این دستاوردهارا در اوایل کتاب بیان می کرد و برجسته می نمود تا خواننده گان بطور جامعی درجریان کیفیت سازمان انقلابی قرارمی گرفتند و پدیده جانبی مربوط به خیانت سیروس نهاوندی را نیز درمی یافتند. متاسفانه این ضعف در کتاب مشاهده می شود و تاثیری منفی می گذارد که به قول معروف عبارت است از "آفتابه لگن ۷ دست؛ شام و نهار هیچ چیز"! درحالی که پس از مبارزه ایده ئولوژیک سازمان انقلابی با رهبری حزب توده، این حزب دیگر نتوانست قد راست کند و خود را توجیه نماید و دوران جدید روشنگری در جنبش کارگری پا به میدان گذاشت..

۷- انتظاراز یک رهبری جدی و اصولی سازمان انقلابی درداخل این بود که وقتی ازنظرخطی سیروس نهاوندی از خط مشی سازمان انقلابی عملا برید، نسبت به او سیاست ضدیت و نه سازشی شل و ول می گرفت و قطع ارتباط می کرد. شاید ضعف سازمان ازنظر تشکیلاتی درایرن علت این دست به عصا رفتن در داشتن رابطه با سازمانی بود که مشی ماجراجوئی را در جنبش چپ درپیش گرفت ، بوده باشد. ولی در انقلاب کردن کارها باید محکم به دست گرفته شود و از اصول عدول صورت نگیرد تا صدمات آن چنان ویرانگر نباشد که شد.

۸- گروهی گری های خارج ازکشور و برجسته کردن ناعادلانه این که سیروس نهاوندی از اعضای سازمان انقلابی بوده و به این اعتبار لو رفتن تعداد زیادی از رزمنده گان داخلی ناشی از این شلخته گی سازمان انقلابی می باشد، تلاشی درخارج ازکشوربود که به ضرر سازمان انقلابی صورت گرفت . دردامن زدن به این وضع رهبری و اعضای حزب توده بی تاثیرنبوده اند. کما اینکه در دوره حمله رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای چپ و ازجمله حزب رنجبران ایران، رهبری حزب توده از هیچ عمل شنیع درمورداعضای این حزب نظیر لودادن آنها ابانکرد.. درحالی که خواندن این کتاب و مستدل نمودن اینکه نهاوندی از سازمان انقلابی جدا شده بود نشان می دهد که در آن دوران این شایعات نه تنها کمکی به وحدت چپها ننمود، بلکه زمینه ای شد برای تبلیغ گروهی گری و ضدیت آنان با یک دیگراز جمله توسط مدافعان چریکهای فدائی خلق!!

۹- نفوذ عباس شهریاری در تشکلهای چپ و سپس سیروس نهاوندی نشان دادند که مبارزه علیه دشمن نیاز به هشیاری، آگاهی، تیزبینی، اجتناب از برخی دست یابی موقتی به امکانات مشکوک و کلا رفتار اصولی و مبارزه مرگ و زنده گی با حاکمان می باشد. اگر نوشتن این کتاب زمینه ساز طرد گروهیگری باشد و نزدیکترشدن تشکلها برای رسیدن به وحدت اصولی، این کتاب نقش مثبتی را درتاریخ جنبش چپ بازی خواهدکرد. ولی اگر با برجسته کردن امکانات ضدانقلاب حاکم در نفوذ درمیان تشکلهای چپ باشد و دیدگاه بدبینی و قدرقدرتی رژیم در نفوذ دراین تشکلها را تداعی کند، این درشرایطی که مبارزات توده ای کارگران، معلمان، پرستاران، زنان، جوانان، بازنشسته گان، و غیره درحال اوجگیری هستند، درشکوفا سازی این مبارزات می توانند نقش مخرب ایجاد نمایند و باید هشیاربود. معیار دراین مورد در شناخت هر فرد در سیاستی است که ارائه می دهد. سیاستی را که سیروس نهاوندی درظاهرمبارزه جویانه بودن اتخاذکرد نادرست و ماجراجویانه بود و با سکوت رهبری سازمان انقلابی درداخل و خارج درسطح بیرونی مواجه شد و همین کافی بود برای تداوم یابی ضربه زنی وی به جنبش چپ.

فراموش نکنیم که انقلاب کردن علمی است طبقاتی واجتماعی و باید بطور روشنی درخدمت کارگران و زحمت کشان باشد و موبه مو به اجرا گذاشته شود. به این اعتبارمی توان سره را ازناسره تشخیص داد و به دنبال خط غلط و ماجراجویانه نیافتاد.

ازجمله امروز سلطنت طلبان که قادر به گول زدن توده ها نیستند، سیاست نزدیکی با نیروهای چپ را درپیش گرفته اند - البته بدون اعلام صریح حقوق دموکراتیک کمونیستها و استثمارشونده گان و زیر ستم چندلایه ای قرارداشتن ها - و کشاندن آنها به برنامه های تلویزیونی برای کسب اعتبار خود می باشد. کم بها دادن به این نیرنگ بورژوائی خطرناک می باشد و کمونیستها باید مواضع خود را مستقلا بیان کنند و از موقعیتهای "دوپول یک غاز" فراهم شده توسط سلطنت طلبان و یا امپریالیستها و صهیونیستها (نظیر گرفتن پول برای برقرار سازی رادیو و تلویزیون) شدیدا پرهیز نمایند.

درخاتمه به باقر گرامی که درجریان دچارشدن به ناخوشی سختی با تمام وجود درتهیه ی این کتاب تلاش نمود آفرین

گفته و کلیه ی مبارزان دوران سلطنت را که خود را بازنشسته کرده اند برای یادگیری از باقدرعوت می کنم که اگر به علت پیری قدرت بسیاری از کارها را ازدست داده اند به قول ملک الشعرای بهار:
کهن شد و افسانه گشت حدیث اسکندر — سخن نوآر که نو را حلاوتی است دگر ، در بررسی و تحقیق از ایران و ارائه آنها به کل نیروهای چپ خدمت خود را به جنبش پایان یافته تلقی نکنند و روی شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" پافشاری نمایند.

ک.ابراهیم
- ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۵ - ۹ مرداد ۱۳۹۴

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زین رو که بنیاد جفا و جور بی بنیاد می گردد!

این روزها شاهدجنایت کاری رسوای بیش ازحد سردمداران رژیم هستیم. اگر به کارنامه حاکمیت «ولایت فقیه» بنگریم می بینیم تعداد و ابعاد دزدی درسطح مقامات بالای دولتی و آخوندی هیچ گاه تابدین حدنبوده، امری که نشان می دهد این مقامات ازرسواترین ایده ئولوژی و موضع خدمت به خلق برخورداربوده و تمامی تلاشهایشان تا به حال صرف پرکردن جیبهای گشاد آخوندی شده است؛
"اما بنابه صحبت آخوند مصطفا ناصری زنجانی، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش درگفت و گو با خبرگزاری فارس ۱۰۰۰ معلم درزندان هستند و به علت بدهکاری و حقوق کمی که دریافت می کنند به زندان افتاده اند" و دزدان میلیاردی و حتا هزارمیلیاردی راست راست درایران می گردند!؛
سالهاست که کارگران نه تنها صدای مبارزاتی شان را علیه مزد ناچیز، بلکه حتا علیه پرداخت نشدن مزد کارهائی که حتا دریکی دوسال گذشته انجام داده اند بلند است و مزد نگرفته اند و دامنه ی این وضعیت پرستاران، معلمان، بازنشسته گان را دربرگرفته و فقیرتر شدن وحشتناکی را درایران به وجودآورده است!؛
بعداز ترورهای دهه های ۶۰ ـ ۸۰ و درشرایطی که کل ایران تبدیل به بمب آماده انفجارشده است، رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ موقعیت خود شروع به توطئه های رسوا علیه نیروهای اپوزیسیون کرده است تا از داعشیها یک گام هم عقب نماند وبا بمب گذاری و تلاش برای ترور کادرها در مقر دو شاخه «سازمان زحمتکشان کردستان» با مسئولیت عمرایلخانیزاده و عبدالله مهتدی، می خواهد بساط آدم کشی را درمیان نیروهای اپوزیسیون علاوه بر بخشی که در زندانها به قتل می رساند، گرم نگه داشته و فراموش ننمایند؛
برای مبارزه با علم رهائی بخش پرولتاریا، باز آه و ناله سردمداران رژیم بلند شده و به فکر این افتاده اند تا هم نادمان گذشته و هم احتمالا نادمان جدیدی را که زیر شکنجه توانسته اند ازآنها درمورد رد مارکسیسم و یا تشکلها اقراربگیرند و با بوق و کرنا این افراد له شده درزیرشکنجه را به نمایش بگذارند، و این عمل سخیف را دلیلی قوی در رد این تئوری و فراری دادن مردم از متشکل شدن در جنبش کارگری و کمونیستی، قراردهند.
اما این تشبثات خبیث نه درگذشته و نه اکنون قادر به تغییر نظرمردم نسبت به این رژیم جنایتکار نخواهدشد. چون که مردم می بینند طی ۳۷ سال حاکمیت خونین جمهوری اسلامی کارمردم ایران به جائی رسیده که حتا در دربخشهای گرم طاقت فرسای جنوب ایران، آب خوردن هم قادرنیست برای تشنه لبان تهیه کند که گرمای ۵۷ درجه را بدون کوچکترین امکانات باید تحمل کنند!!
دامنه ی این تخریبها را ازجمله درمود تجاوز به حقوق انسانی زنان، رواج دادن خرید و فروش موادمخدر، بالابردن قیمت اجناس اولیه مورد لزوم روزانه مردم، بسط و گسترش بی کاری، کار کودکان، فروش اعضای بدن برای حل نیازهای اقتصادی، به چهارمیخ کشیدن آزادی و دریک کلام ایجادجهنمی از فقر و فلاکت و زورگوئی انسانهای شریف و آزاده را به سرحد قیام و سرنگونی این رژیم نکبت و خواری رسانده است.
باتوجه به این که مردم خاورمیانه از نزدیک دیدند که حکومتهای مذهبی بدترین و شقی ترینها هستند و هم اکنون درعراق مبارزات توده ای علیه این حکومتها داردشکل می گیرد، بنابراین آینده این کشورها در گرو ایجاد جوامعی لائیک و از آن مهم تر جوامع بدون مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله گره خورده و آن چه را که شاعر مبارز جان باخته ایران فرخی یزدی توسط رضاشاه قلدر سروده درحال تحقق یافتن است تا دراثر مبارزات مردم خرابیهای ازحد گذشته را به آبادشدن برسانند.

تفسیر روز - ۲۰۱۵/۸/۱۳

درجنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

برای آزادی کرد و رفقا، انقلابیون آلمان و بین المللی و ایکورحرکت احساس برانگیز برادرانه ای بود. هم راه با این پذیرش KCD-Eبه عنوان ۴۹ مین عضو ایکور نیز جشن گرفته شد. ایکور توسط هماهنگ کننده اصلی حضورداشت، با یک نماینده ایکور از مراکش و رفقای کرد ما از KCD-E (کنگره جامعه ی دموکراتیک کردها دراروپا).

دراین بین اولین بریگاد کارخودرا درمحل با حمایت وسیع مردم آغازکرد.یک مرکز بخش بهداشتی با اتاقهای معالجه و تربیتی و امکانات ترتیب دادن اجلاسها ساخته شد. ابتکار کامل آن براساس اصل "خدمت به خلق" درهم کاری فشرده با همکاران کرد، متکی بر برابری و احترام متقابل درحال رشداست. تیمی از متخصصان درحال طرح ریزی ساختمانی مناسب محیط زیست برپایه اصول قابل استفاده و به کاربردن اصول شرایط روجاوا می باشند.

اظهارات همکاران مختلف کرد نشان می دهند که تاچه اندازه به این طرح خوشامد گفته می شود.

انورمسلم، صدر کانتون کوبانی، گفت:

«ما موفق به درهم شکستن افسانه ی شکست ناپذیری ظاهری داعش شدیم. ما هم چنین موفق شدیم از کوبانی شهری را که احترام به حقوق بشر درمرکز این دیدگاه قراربگیرد درست کنیم... ما ازحمایت شما متشکریم و از احساسی که نسبت به کوبانی دارید. ما به شما قول می دهیم ازکوبانی شهری درخدمت دموکراسی بسازیم. شهیدان بهترین خود را، جان شان را برای آزادی و بشریت ازدست دادند. ما قول می دهیم دراین مسیر گام برداریم... **حفاظت** شما برای ما ارزشمندتر ازحفاظت خودمان است. آن چه که مهمتر از ساختمان مرکز است عبارت است از این که شما دراین جا با ماهستید دراین وضعیت کنونی و باهم برای تجدید ساختمان کار می کنیم(...)».

آسیا عبدالله، معاون زن حزب پ.ی.د. (حزب اتحاد دموکراتیک) در روجاوا/ سوریه گفت: «بسیاری ازسازمانها هستند که به ما کمک می کنند: پولی، وسایل. آن چه که شما می کنید کاملا متفاوت است: جان و کارتان باهم باماست، درچنین شرایطی باما کار و زنده گی می کنید.

تمام مسئله تنها در مورد روجاوا نیست. ما انقلاب دموکراتیک را برای کل سوریه، کل تمامی خلق، مستقل ازهرکجا که آنها باشند، می خواهیم... مابابد دوکاربکنیم: مبارزه علیه داعش - و زنده گی مشترک باهم دراینجا. داعش تلاش کرد تا زنده گی در کوبانی را غیرممکن سازد. ما می خواهیم کوبانی را سالم و آزاد با خلق دوباره بسازیم. این شامل تجدید ساختمان و غیره می شود، اما نه تنها این: بلکه ما می کوشیم تا کل زنده گانی مردم را "دوباره بسازیم". مردم این را باید به صورتی سازمان یافته انجام دهند. به ویژه مهم است که اکنون تجدید ساختمان بخش سلامتی صورت گیرد. ما می خواهیم زنده گی آزادی رادراینجا با تمامی خلق و با شمابرقرارسازیم."

شرکت بریگادیستها از تشکلهای ایکور از تمامی قاره ها شروع شکل گیری مشخصی کرده است. از ۳۶ تشکل امضا کننده این قرارداد، ۳۴ تعداد جواب مثبت به تشکیل بریگاد دادند. تمامی تشکلها قادر به گسیل بریگادیست نیستند. اغلب این مربوط به اشکالات امنیتی یا شرایط مشخص زیستن درکشورهای مربوطه می شود. اما تمامی آنها احساس هم بسته گی با تامین طرح مرکزسلامتی فشرده با ما درکوبانی دارند که درنامه از پری تاپا، دبیرکل حزب کمونیست نپال(متحده)،(ح.ک.ن.م)می آید که درنامه ۱۸ ژوئن نوشت: "مایل هستم سلام انقلابی خود را به تمامی بریگادیستها با آرزوی موفقیت زیاد خدمات بشر دوستانه از جانب حزب مان و باخودم را اعلام نمایم!".

بریگادیستهای جوان ازبسیاری ازکشورهائی اعلام آماده گی نموده اندکه درآنها اعضای تشکلهای ایکور هنوز وجودندارند(انگلیس و فرانسه) و دبیر کمیته بین المللی هماهنگی مایل به انجام هرکارممکنی است به منظور شرکت و همکاری کاملا معتبر ممکن اجتناب ناپذیر برای موفقیت پروژه ایکور درکوبانی که هم چنین بسیجی سیاسی است درمیان توده های کشورهای شما، جمعاوری هدایا و مبارزه برای به کار گیری راه ورودی بشردوستانه ازترکیه به روجاوا که دولت ترکیه هنوز زیرآن نرفته است. آدرس وب سایت برای امضا به قرار زیراست:

https://www.openpetition.de/petition/online/oeffnet-die-grenze-kobane-muss-leben.

کنفرانس "بسیج بین المللی در تجدید ساختمان کوبانی" در اول ژوئیه در بروکسل برگزارشد، و توجه زیادی ازاعضای پارلمان اروپا، سازمانهای غیردولتی و سازمانهای بشردوست را جلب نمود جائی که نماینده کانتون کوبانی و جزیره گزارش دادند. کنفرانس قطعنامه برای ایجاد مسیر عبور بشردوستانه را تصویب نمودکه شما می توانید در سایت آژانس خبری ANF بیابید:

http://anfenglish.com/news/conference-at-ep-calls-on-turkey-to-open-its-borders-for-kobane

این می تواند به منظور تحقق کسب حق عبورکمک بشردوستانه و حمل مواد از ترکیه به روجاوا بیانجامد.

یک شکل مهم کار هم بسته گی می تواند کارحمل و نقل نیزباشد؛ هم بسته گی در پروژه فوری نیاز به توانائی ترجمه کننده گان بیشترنیز دارد. لطفا امکانات خودتان را بسنجید، هم چنین در رابطه با عربی، فارسی، کردی و ترکی.

تا نیمه ژوئن ۲۰۱۵ بریگادیستهای سازمانهای ایکور جواب دادند که آنها تاحدی امکان اقامت را دارند. ما ازدیگران می خواهیم تاریخهای خودشان را دراقامت هرچه زودترمشخص کنند.

دراینجا باردیگر **تاریخهای** گروههای بریگادی بیشتری را می آوریم:

بریگاد۳: ۸ اوت - تا ۵ سپتامبر

بریگاد۴: ۲۳ اوت - تا ۱۹سپتامبر

بریگاد ۵: ۱۶ سپتامبر- تا ۱۸ اکتبر

حتا بعد ازاتمام ساختمان، پروژه توسط ایکور طی سالهای آینده خواهدآمد. لطفا درنظربگیرید که دیرتر شما می توانید کارکنان بهداشتی و متخصصان انرژی، فاضل آب، آشغال و اکولوژی فراهم بیاورید.

رفقای عزیز،

من از شوروشوق و جدیتی که ایکور دارد درپروژه مشترک هم بسته گی و خواست همه ی ما همراه پیروزی افتخارمی کنم.

شما می توانید ادامه بدهید به تماس با اداره ایکور با سوئالات و پیشنهادات هر زمانی که می خواهید.

همراه با تبریکات هم بسته گی

استفن انگل

★

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

دراهتزاز باد پرچم انترناسیونالیسم پر ولتری!

مبارزه قهرمانانه ... بقیه از صفحه آخر

اتحاد جماهیر شوروی در جنگ متحمل شد، غیر قابل مقایسه با متحدین غربی بود. معهذا، به نظر می رسد غرب خود را به کوچه علی چپ می زند. مورخین غربی و ایده ئولوگهایشان، بسیاری از مردم در غرب را به این باور واداشته اند که این ایالات متحده و انگلستان بود که جهان را از فاشیسم نجات داد. این نقطه نظر را می توان در بسیاری از کتب درسی، روزنامه ها، مجلات، کارهای پژوهشی و فیلم های هالیوودی یافت.

ازحقایق تاریخی اغلب برداشت پوچی می شود. نبرد ال- الامین، در مرز بین لیبی و مصر، که آشکارا بسیار دور از صحنه عملیات اروپا بود، یک رویداد بود، که در آن ده ها هزار نفر از مردم در هر طرف جنگیدند. به هر حال، مورخین غربی این نبرد را با نبرد استالینگراد مقایسه می کنند، که در واقع درگیری میان میلیون ها نفر بود. فرود نیروهای متفقین در نرماندی در سال ۱۹۴۴ با تمام عملیات ارتش سرخ در جبهه شرق مقایسه شده است.

یک مورخ مشهور آمریکائی از مؤسسه هوور می گوید که ارتش سرخ قادر به شکست دادن آلمان نازی نمی شد اگر نیروی هوائی ایالات متحده حملات قهرمانانه خود را به طور روزمره بر روی اهداف اروپائی در سال ۱۹۴۳- ۱۹۴۲ انجام نمی داد. این مورخ فراموش کرده ذکر کند که این حملات به این دلیل امکان پذیر شد چون بسیاری از عملیات هواپیماهای جنگی آلمان در جبهه شرق انجام می گرفت.

یکی ممکن است به بسیاری از نتایج بی اساس محتمل برسد؛ اما حقیقت را نمی شود تحریف کرد که همیشه به قوت خود باقی خواهد ماند. تعداد زیادی از حقایق در تخریب نازیسم بازی کردند. یکی باید به خاطر بیآورد که ۶۰۷لشکر نازی درجبهه شوروی ـ آلمان نابودشدند، که سه چهارم کل ارتش فاشیستی را تشکیل می دادند.

از همه مهم تر این کهُ اتحاد جماهیر شوروی ۲۷ میلیون نفر را در این جنگ از دست داد(ناگفته نماند که بیش از ۱۲ میلیون نفر از اعضای حزب کمونیست بولشویک بر علیه فاشیسم هیتلری جان باختند و این یکی از عوامل بسیار مهمی در تضعیف حزب کمونیست بود که به رویزیونیسم مدرن به رهبری نیکیتا خوروشچف پای داد که از طریق کودتا و زور سرمایه داری دولتی را در روسیه احیا کند - مترجم) - یعنی ۱۴ درصد کل جمعیت اتحاد جماهیر شوروی، در حالیکه، انگلستان و ایالات متحده به ترتیب ۴۰۰۰۰۰ و ۳۰۰۰۰۰ نفر از دست دادند - ۶. درصد و ۳. در صد از کل جمعیت آنها به ترتیب.

در نتیجه، برای جبهه دوم، در این مرحله بر طبق آن عمل نکردند. انگلستان و ایالات متحده حاضر به باز کردن آن نبودند و ترجیح می دادند صبر کنند برای اتحاد جماهیر شوروی تا بسیاری از نیروهای آلمان فاشیستی را نابود کند. آنها تنها در تابستان ۱۹۴۴ در اروپا فرود آمدند، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی نزدیک به گرفتن جشن پیروزی در جنگ بود.

مورخین غربی هم چنین ادعا می کنند که پیش از این انگلستان بر علیه نازیسم در سال ۱۹۳۹ می جنگید، زمانی که آلمان و اتحاد جماهیر شوروی اروپای شرقی را تقسیم می کردند.

آنها هم چنین می گویند که اتحاد جماهیر شوروی و سپس روسیه حمایت از متحدان در شکل محمولات آزاد تسلیحات و مهمات را دست کم گرفتند. در واقع آنها ۱۵۰۰۰ هواپیما (ارتش سرخ نزدیک به ماه می ۱۹۴۵ تنها ۹۰۰۰ هواپیما در اختیار داشت) و ۷۰۰۰ تانک عرضه کردند. بر هر حال، مورخین روسی می گویند که این نقش مهمی در شکست نازیسم بازی نمی کرد.

نیروهای متفقین به علاوه، ۴۲۷۰۰۰ خود رو به اتحاد جماهیر شوروی رساندند که ارتش سرخ را بسیار سیار و متحرک کرد. علاوه براین، سیستم های موشکی افسانه ای کاتیوشا بر روی استودبیکر های آمریکائی سوار بودند. هیچ دلیلی ندارد ما این واقعیات را نا دیده بگیریم یا کتمان کنیم. بدیهی است که بگوئیم حمایت از جانب نیروهای متحدین، پیروزی را تسریع کرد و جان بسیاری را حفظ کرد. بهر حال، این بطور واضح اغراق می باشد که بگوئیم که ارتش سرخ قادر به شکست دادن هیتلر بشود نمی شد.

مختصری قبل از ۶۵ امین سالگرد جشن پیروزی در جنگ بزرگ میهنی، رسانه های غربی با هیجان در ساخت گزارشات در باره « تجاوز گران اتحاد جماهیر شوروی، که به دو میلیون از زنان آلمانی تجاوز کردند »، افراط یا زیاده روی کردند. در این جا تنها تعداد کمی از سرمقاله ها را برای خواننده ذکر می کنیم: «آنها به هر زن آلمانی از ۸ سال تا ۸۰ ساله تجاوز کردند (روزنامه گاردین)، «وحشی ها» (دیلی میل)[۱]، «جائی که روس ها از جنایتکاران بودند»[۲]، و غیره.

مقالات ذکر شده در بالا ورود نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به آلمان را در طی اشغال توصیف کرده است. به هر حال، این «مورخین» به هیچ اسنادی اشاره نمی کنند. آنها هم چنین ترجیح دادند حقیقتی را که در مورد حکم فرماندهی اتحاد جماهیر شوروی نسبت به اعدام آنهائی که مقصر در تجاور به زنان آلمانی بودند، چیزی ذکر نکنند. آنها هیچ چیز در مورد آن چه که در آلمان اتفاق افتاد در طی اقامت سربازان متفقین در آنجا، به عنوان مثال، اقامت لژیون خارجی فرانسه در اشتوتگارت با تجاوز جمعی زنان آلمانی مشخص شده بود.

نقطه‌نظر یا معنی این دروغ‌های تاریخی چیست؟

مورخ روسی، اسکندر دایوکوو[۳] گفت: « برخی از کسانی که چنین چیزهائی می نویسند، می خواهند توجه به خودشان جلب کنند. بهر حال، بسیاری از آنها عمداً قصد تهمت و افترا به اتحاد جماهیر شوروی و جنگ جویان روسی به منظور مقاصد سیاسی را دارند. آنها می خواهند نقشی را که اتحاد جماهیر شوروی در شکست نازیسم بازی کرد را کم ارزش جلوه دهند و حتی نازیسم را در برخی مراحل توجیه کنند.»

شایان توجه است که ذکر شود که نه هر کشور غربی علاقه اهانت به نقش اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانیِ دوم دارد. چنین مورخانی مانند ریچارد اُوری (بریتانیا)، رابرت کانکوئست (بریتانیا)، ان اپل بآم (ایالات متحده) و نورمن دیویس (برتانیا)، از حقیقت عینی دفاع می کنند و استدلال های ذکر شده در بالا را رد می کنند. به عنوان مثال، نورمن دیویس، خاطر جمع است که نیروهای متفقه هرگز نمی توانستند در خاک اروپا فرود بیایند، اگر ارتش سرخ از قبل ۱۵۰ لشگر آلمان را نابود نمی کرد. لوران جافرین، سردبیر لونوئل ابزرواتور[۴]، از فرانسه گفت که، فرانسوی ها، مثل کشورهای دیگر، خیلی مدیون روس ها هستند، به دلیل اینکه اتحاد جماهیر شوروی برنده درجه اول جنگ بود.

بطور کلی بسیاری از خبرنگاران و مورخین از کشورهای پیروز هنوز پیروزی اتحاد جماهیر شوروی را زیر سئوال می برند. (علت اساسی آن اینست که سرمایه داری گندیده و رو به زوال هرگز نمی خواهد توده های نا آگاه به قدرت عظیم حزب بولشویک به عنوان عامل رهبری کننده در جنگ جهانی دوم پی ببرند- مترجم). این رویکردیست (یا برخوردیست) کاملاً خالی از سپاسگزاری. هر یک و هر عضو ائتلاف ضد هیتلری سهم بسیار پر بهائی در این پیروزی

عظیم داشت. وزیر امور خارجه سابق ایـالات متحده آمریکا، کورنل هال (۱۹۴۴ - ۱۹۳۳) زمانی گفت، مبارزه قهرمانانه اتحاد جماهیر شوروی علیه آلمان نازی متفقین را نجات داد.

(1) The Daily Mail
(2) The Times
(3) Alexander Dyukov
(4) Le Nouvel Observateur (France)

.....

درس های جنگ جهانی دوم به ما می آموزد که چگونه میلیون ها نفر به ارزان ترین طریق در جنگ جهانی سوم کشته می شوند

توسط : انتون اوسیو، ژوئیه، ۲۰۱۵ - منبع: آرشیو پراودا

خبرگزاری پـراودا، مصاحبه ای با مدیر کل مؤسسه انرژی، فیزیک دان هسته ای معروف، دکتر اقتصاد، بولات نیگماتولین به انجام رسانید. ما برای مصاحبه با آقای نیگماتولین در مورد جزء اصلی اقتصاد پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ بزرگ میهنی به صحبت نشستیم.

در طول مدت زمان حاکمیت اتحاد جماهیر شـوروی، به ما آمـوزش داده شده بود که جنگ بزرگ میهنی برتری سیستم اقتصادی سوسیالیستی نسبت به سرمایه داری در آلمان را تأیید کرده بود. آیا ما می توانیم این قضاوت را در دنیای ضد ایده ئولوژیک (یا غیر ایده ئولوژیک) تأیید کنیم؟

«خوب، در آن زمان، اقتصاد برنانه ریزی شـده اتحاد جماهیر شـوروی و هم چنین اقتصادبازار آنها وجود داشت. اقتصاد آلمان به شدت انحصاری شده بود. آنها یک برنامه چهار ساله دلالت کننده داشتند. در طول سال اول جنگ، درست از سال ۱۹۴۱ ، اتحاد جماهیر شوروی از اقتصاد آلمان پیشی می جست. از لحاظ اقتصادی، این تنها آلمان نبود که جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی به راه انداخته بود. در سال ۱۹۳۹، آلمان کشور اتریش، بخشی از لهستان و جمهوری چک را جزء قلمرو خود کرده بود. علاوه بر آلمان، تمام غرب و مرکز اروپا در جنگ با اتحاد جماهیر شوروی بود. بلغارستان، رومانی، مجارستان، یونان، کشورهای اشغال شده دیگر، و هم چنین سوئد، اسپانیا، پرتقال و ترکیه - تماماً در خدمت آلمان بودند.

«اتحاد جماهیر شوروی عملاً در سال های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ تنها بـود. تنها در سال ۱۹۴۳ بود که کمک هایی به ما رسید - از جانب ایالات متحده، بریتانیا و کانادا - و این در مورد برنامه وام و کرایه دهی رواج داشت. در سال ۱۹۴۱ پتانسیل آلمان بدون متحدین و سرزمین های اشغالی و پتانسیل اتحاد جماهیر شوروی تقریباً برابر بودند. تولید ناخالص داخلی تحت هدایت پروفسور هریسون از دانشگاه کامبریج محاسبه شد. اقتصاد شرکت کنندگان اصلی در جنگ جهانی دوم با هم مقایسه شدند، و معلوم شد که تولید نا خالص داخلی اتحاد جماهیر شـوروی، ۸٪ قوی تر بـود، اما با کمک سرزمین های اشغالی، آلمان برتری یافت.

من شاخص هایی از مجموعه های سوخت و انرژی را با هم مقایسه کردم: ذغال سنگ، برق، نفت و سوخت. سپس من ظرفیت تولید یعنی حجم فلز پیچیده و ماشین های برش فلز را مقایسه کردم. حجم تولید ذغال سنگ، فلز پیچیده و تولید برق در مقایسه با آلمان، ۳۰ تا ۴۰ در صد کم تر بود. با این حال، مقدار سوخت مایع اتحاد جماهیر شوروی در مقایسه ۳ برابر بود. فلز پیچیده پایه تمام تسلیحات و مهمات می باشد. نیروی برق بر تمام ظرفیت های صنعتی تأثیر می گذارد. تولید نیروی برق - ذغـال سنگ یا نفت. سوخت موتور - موتورهای احتراق داخلی. آلمانی ها از سرزمین های اشغالی خود، قلمرو کشورهای متحد و بی طرف منابع در یافت می کردند. ماشین نظامی در حال حرکت بود. در اواسط جنگ، اتحاد جماهیر شوروی تفوق جدی از آلمان به دست می آورد. اجرای واقعی و مدیریت اقتصاد در دست رفیق استالین، کمیته دفاعی دولت بود که در هشتادمین روز شروع جنگ ایجاد شده بود. در آن کمیته، استالین، مولوتف، مالینکوف، بـریـا، وروشـیـلـوف و میکویان بـودنـد. در طول جنگ، این کمیته ۹۵۰۰ حکم صادر کرد – یعنی تعداد ۵۷. جنگ در روز. هر یک از اعضای کمیته دولتی برای دفاع، مسئول یک منطقه خـاص بـود. در طول جنگ، تعداد زیادی ادارجـات کارپردازی و کلانتری، متعلق به مردم تأسیس شد: از صنعت تانک، مهمات، صنعت هواپیمائی، توپخانه و خمپاره. در روز سوم جنگ، شـورای تخلیه تشکیل شـد. آن تصمیم درخشانی بود که انجام گرفت. بسیاری از کارخانجات از اوکراین، از جنوب و مرکز کشور تخلیه شدند. تا ۱۲ میلیون نفر از مردم بین ۴ تا ۵ ماه تخلیه کردند. پس از آن، ساخت و ساز در مقیاسی بزرگ در اورال، قزاقستان و سیبری راه اندازی شد.

در سال ۱۹۴۲ ، آلمانی ها تولید دفاعی خود را افزایش نمی دادند. آنها از سال ۱۹۴۱، معتقد بودند که آنها هم اکنون در این جنگ برنده بودند. آنها تولید مهمات و مواد منفجره را متوقف ساختند. در اتحاد جماهیر شوروی تمام مردان به جبهه رفتند. حدود یک میلیون نو جوان در کارخانجات مشغول کار بودند. تعداد کارگران در سال ۱۹۴۰ در اتحاد جماهیر شوروی ۱۲ میلیون نفر و در آلمان ۱۰ میلیون نفر بود. در سال ۱۹۴۲ ، ۸ میلیون در اتحاد جماهیر شـوروی و ۱۰ میلیون در آلمان کارگر بود. از نظر کمیت، اتحاد جماهیر شوروی از دست می داد، اما تمام مردم برای پیروزی مشغول به کار بودند. و تولیدات تسلیحاتی این کشور در مقایسه با آلمان ۳ برابر بود.

آلمانی ها از پیروزی قریب الوقوع خود کاملاً خاطر جمع بودند. آنها به اشتباه خود تنها در سال ۱۹۴۴ پی بردند، اما این دیگر خیلی دیر شده بود. اتحاد جماهیر شوروی بیشتر از آن تسلیحاتی که در جنگ از دست می داد تولید می کرد. از نظر اقتصادی و استراتژیکی بود که چگونه اتحاد جماهیر شوروی از آلمان در جنگ پیشی گرفت.

جنگ های مدرن نمی تواند برای سالهای طولانی ادامه داشته باشد. تکنولوژی مدرن دفاعی برای اقدام سریع جهانی تصریح می کند. جرقه جنگ بین دو ابرقدرت جهانی صورت گیرد، شکست پایانی برای همه خواهد بود. یک طرف همیشه باید تعادل شدت عمل های (یا نیروهای) حمله و دفاع را حفظ کند. ارزان ترین راه برای حفظ این تعادل، این است که تسلیحات هسته ای در میان باشد. برخی می گویند که یک بمب هسته ای سلاحی است در دست نیروی ضعیف - آنهائیکه برتری در سلاح های متعارف ندارند. من معتقدم که بمب هسته ای ارزان ترین راه برای حفاظت در برابر جنگ است.

آیا واقعاً اولین بمب اتمی توسط آلمان نازی بسط و توسعه یافت؟

مصاحبه با سعید گفوروو توسط خبر گزاری پراودا - پنج اکتبر ۲۰۱۱

اخیراً، شایعات دو باره آغاز به چرخیدن دهن به دهن در مورد این واقعیت که اولین سلاح های هسته ای در ایالات متحده نبود که توسعه یافت و با موفقیت آزمایش شد، بلکه در آلمان نازی بود. آیا نازی ها واقعاً موفق به ساختن بمب اتمی شدند ؟

نظریه در مورد توسعه سلاح های هسته ای توسط نازی ها در میان فرضیه هائیست که نه می تواند تأیید یا تکذیب شود(و با توجه به قوانین مورد قبول واقع شده

توسط علم معاصر، از جمله تاریخ، آنها بطور اوتومات غیر قابل اعتماد در نظر گرفته می شوند). در اکثر موارد، نویسندگان برخی اسناد محرمانه با رساندن منظور یا بیان چیزی که ادعا می شود مورد یا صورت گرفته است، اگر چه به اثبات نرسیده، و در آرشیو سرویس های مخفی دشمنان سابق آلمان نگهداری شده را ذکر می کنند. البته، این کار دشواری است که گفته شود آیا این صحت دارد یا ندارد، چون که به غیر از نویسندگان هیچ کس این اسناد را ندیده است.

یک تئوری مستقل موجود است که در سال ۲۰۰۵ توسط یک مورخ آلمانی به نام راینر کارلش در کتابش « بمب هیتلر » پیشنهاد شده. در این رساله، با استناد به شاهدان عینی، نشان می دهد که در سال ۱۹۴۴ ، در جزیره بالتیک از روگن و در بهار سال ۱۹۴۵ ، در تورینگن بمب های اتمی مورد آزمایش قرار گرفتند. همه این داده ها بر اساس شهادت محلی و روزنامه نگاران از کشورهای متحد آلمان است که در مورد انفجار همراه با بروز ناگهانی یا تشعشع نور شدید صحبت می کنند.

شهادت مسلم بایگانی شده کلر ورنر و ثبت شده در سالهای ۱۹۶۰ ، توسط مقامات شهر امستات جائیکه طبق نظر مورخین، انها هنوز در آرشیو های محلی ذخیره شده اند. یک افسر ورماخت که فرا ورنر می شناخت در فوران صراحت در بهار سال ۱۹۴۵ به او گفت که « امشب یک اتفاقی خواهد افتاد که می تواند جهان را شدیداً تکان دهد». خانم شیفته در کنار پنجره، جائیکه او می توانست چیزی را که در زمین تمرین نظامی نزدیک تورینگن ، شهرک اوهردروف اتفاق می افتاد مشاهده کند، خود را قرار داد. سپس شب به پایان رسید و صبح شد: «من یک ستون عظیم رو به افزایش را در آسمان دیدم، و به ناگهان اینقدر نورانی شده بود که شما با نورش می توانستید یک روزنامه را به راحتی بخوانید. ستون با عجله به آسمان رفت، تبدیل به یک درخت عظیم با یک تاج گسترده شد».

شهادت دیگر در مورد آزمایش در تورینگن حاکی است که انفجار تا شعاع ۵۰۰ متری خسارت وارد آورد. به خصوص، چند صد نفر از زندانیان جنگ به عنوان مواد آزمایشی بدون کوچکترین ردی به کام مرگ سپرده شدند. یکی از شرکت کنندگان در این آزمایش گفت که بسیاری از ساکنان اطراف این آزمایش، از تهوع و خون ریزی بینی تا چند روز بعد از این آزمایش شکایت داشتند. یک شاهد، شهادت داد که او روز بعد کمک کرد که تعداد زیادی از اجساد سوزانده شوند. همه آنها تاس بودند، و برخی تاول بر روی بدنشان داشتند و گوشت برهنه قرمز خام را می دید.

علاوه براین، کارلش به نتایج حاصل از اندازه گیری های بعد توسط ارتش ایالات متحده در محل آزمایش بر روی زمین در تورینگن اشاره می کند، جائیکه اثری از ایزوتوپهای رادیواکتیو پیدا شده. به خصوص، نمونه های خاک برداری وجود عناصر رادیواکتیو را نشان می دهد، یعنی، اورانیوم، پلوتونیوم، سیزیوم ۱۳۷ و کبالت ۶۰ . جمعبندی از تمام این ها و حقایق دیگر، آقای کارلش ادامه می دهد که در پایان جنگ آلمان بمب اتمی را بطور کامل آماده داشت. اگر آلمان موفق به تولید سریال آن می شد، نتایج حاصل از جنگ جهانی دوم می توانست تا حدودی متفاوت بوده باشد.

بهر حال، راینر کارلش در کتابش می گوید که تمام این حقایق مدرک غیر قابل انکار و مسلم از فرضیه او نیست. در واقع، یک برق زدن (فلاش) روشن و یک ابر که شبیه یک قارچ است گاهی اوقات می تواند مانند نتیجه ای از یک انفجار معمولی که رُخ داده باشد، هرچند بمب های بسیار قدرتمند (و نه فقط بمب ها - بسیاری از شاهدان فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ، در ایالات متحده گفتند که یک ابری از دود و گرد و غبار رو به افزایش از برج های دو قلو در حال سقوط مانند «ابر قارچ» مشاهده می شد). ایزوتوپ اورانیوم پیدا شده در خاک چیزی نبود که در بمب اتمی استفاده می شود. ریزش مو و زخم بر روی اجساد مردگان ممکن است نه تنها به دلیل تشعشعات یونیز، بلکه هم چنین، به دلیل استفاده از عوامل حفاظ با تسلیحات شیمیائی باشد.

با این حال، نکته اصلی اینست که در ماه مارس سال ۱۹۴۵ ، زمانی که آزمایش در تورینگن به گفته بعضی ها انجام گرفت، عده سربازان متفقین هم اکنون بسیار نزدیک شده بودند. چرا ابزار لرزه نگاری (لرزه نگار - موجود در هر ارتش) آنها نتوانست هر لرزش قوی را احساس یا تشخیص دهد؟ آنها می بایست صورت می گرفتند زیرا قضاوت توسط شهادت شهود، انفجار از نوع «زمینی» بود. آنها توسط سایزموگراف ها به اندازه کافی سریع شناسائی شدند. این اطلاعات بعید به نظر می رسد که از جانب فرماندهی نیروهای متفقین نادیده گرفته شده باشد.

با این حال، در این مقاله، من قصد ندارم فرضیه راینر کارلش را یا قبول کنم یا انکار، به دلیل این که بر خلاف او، من دسترسی به آرشیو محرمانه اطلاعاتی ندارم. من واقعاً می خواهم احتمال علمی ساخته شدن سلاح های هسته ای توسط آلمانی ها در پایان جنگ را تجزیه و تحلیل کنم. همانطور که می دانیم، برای این که چنین سلاحی بوجود بیاید، دو چیز لازم است: پیشرفت و توسعه علمی و فن آوری های مرتبط صنعتی. آیا آلمان نازی این دو مؤلفه ها را دارا بود؟

از لحاظ مؤلفه اول، آلمانی ها به وضوح یک حق تقدم یا پیشی مطلق داشتند. در سال ۱۹۳۸ ، جامعه علمی جهانی از خبر کشف فیزیک دانان آلمانی، آتو هان و فریتس استراسمن، کسانی که پیدا کردند که هسته ایزوتوپ اورانیوم یو ۲۳۵ * در شرایط نا پایداری قرار دارد و تحت شرایط خاصی از محیط زیست می تواند به دو بخش تقسیم شود، که حجم عظیمی از انرژی را می تواند آزاد سازد. این بدان معنی است که آلمانی ها از پیش گامان در زمینه انرژی هسته ای بودند.

کمی بعد، در روز ۲۶ ماه سپتامبر ۱۹۳۹، در برلین، وزارت جنگ، بخش سلاح های نظامی جلسه ای را با فیزیک دانان برجسته آلمانی برگزار کرد. در میان دیگر فیزیک دانان، از جمله دانشمندان مشهوری چون کوانتوم مکانیک مدرن**، ورنر هایزنبرگ و کارل فون ویشنکر***، کسانی که ترکیب یا امتزاج درونی ستاره ها را که به طرز طبیعی در ترکیب و امتزاج رُخ می دهد**** را تعریف کردند. به عنوان یک نتیجه، آلمان که هدفش ایجاد اولین راکتور هسته ای بود، به اصطلاح «پروژه اورانیوم» را آغاز کرده است. به این معنی که، مبنای نظری برای تحقیقات بسیار قوی بود. به هر حال، ظاهراً اجرای عملی آن هر گز اتفاق نیافتاده است.

چرا اتفاق نیافتاد؟ به دلیل این که ساختمان یک راکتور نیاز به اورانیوم به شکل خالص و مقادیر عظیمی از آن می باشد. آلمان به سختی می تواند هرنوع ذخیره ای داشته باشد. در حوزه (یا میدان) جکیمو، واقع در چکوسلواکی که از سال ۱۹۳۸ تحت کنترل نازی ها بود، ترکیبات اورانیوم برای جدا سازی از سایر فلزات موجود در سنگ معدن کاملاً دشوار بود (به گفته کارشناسان اتحاد جماهیر شوروی که سنگ معدن جکیمو را بعد از جنگ بررسی کردند، می گویند از ۱۶ میلیون تن سنگ نمی توان بیش از ۶ تن اورانیوم بدست آورد). این مقدار اورانیوم فقط برای آزمایش های لابوراتوار یا آزمایشگاه کافی بود، اما برای ایجاد

یک راکتور کافی نبود.

هم چنین گفته شده است که پس از مصادره ۱۲۰۰ تن از سنگ معدن تغلیظ شده(یا پرداخت شده) و متمرکز شده بلژیکی از اکسید اورانیوم موجود در کشور، در اختیار آلمانی ها بود. به هر حال، به نظر می رسد که نازی ها هرگز از آن استفاده نکردند. با توجه به گزارشات رسیده از جانب ارتش ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، تقریباً به یک اندازه از این مواد، بعد از شکست آلمان به ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی انتقال داده شده بود، این مقادیر همان اورانیوم بلژیکی بود.

اما، در این موضوع چیزهای بیشتری نهفته است. برای ساختن سوخت هسته ای، این کافی نیست تا اورانیوم را از ناخالصی هایش تمیز کرد.مطالعات نشان میدهند که آزمایشات با راکتورهای هسته ای، فلز اورانیوم مورد نیاز بود که به نوبه خود توسعه یا ظهور یک تکنولوژی برای ریخته گریش را ضروری می کرد. شرکت مهندسی دیگاسا عهده دار این وظیفه شد، اما آنها قادر به تولید فلز اورانیوم تنها دردسامبر سال ۱۹۴۴ می شدند. به این معنی که، آزمایش در جزیره روگن که طبق گفته راینر کارلش در تابستان همان سال اتفاق افتاد، نمی توانست آزمایش یک بمب اتمی باشد زیرا واقعا هیچ مواد خام مورد نیاز در آنجا موجود نبود.

به هر حال، ابداع تکنولوژی و ریخته گری اورانیوم به ایجاد یک بمب اتمی منجر نمی شود. اورانیوم طبیعی در ٪۹۹.۳ مرکب است از ایزوتوپ یو۲۳۸ ، که کاملاً پایدار است، و برای سوخت هسته ای از «ایزوتوپ» ناپایدارش، یو۲۳۵ استفاده می شود. برای بدست آوردنش، اورانیوم توسط دستگاه های مخصوص غنی می شوند. این دستگاه های آزمایشی در آزمایشگاهی آلمانی ها توسط متخصصین اتحاد جماهیر شوروی و آلمان ها پیدا شده اند، اما آن دستگاه هائی که می توانستند غنی سازی را در مقیاس صنعتی عملی سازند، پیدا نشده بودند (هیچ گونه اسناد و مدارک فنی که بتواند بیانگر موجودیت آنها باشد هرگز پیدا نشد).

ظاهراً، علی رغم وجود تجهیزات علمی، نازی ها در آلمان نتوانستند در اجرای ایده بمب اتمی موفقیتی کسب کنند. به اندازه کافی جالب توجه است، کیرکوین، کارشناس اتحاد جماهیر شوروی که بر روی«پروژه اورانیوم» داخلی که در سال ۱۹۴۵ به عنوان یک متخصص در زمینه تحقیقات هسته ای آلمان عمل می کرد، گفت: « .... در میان اسناد محرمانه ما پروژه اورانیوم را پیدا کردیم. ما اشتباه نمی کردیم، و مؤسسه کایزر در این مورد بنیادی (یا تشکیل دهنده) بود. با توجه به اسناد و مدارک بررسی شده، این کاملاً روشن شد که آلمانی ها از ما پیشی نجسته بودند، برعکس آنها در سطح بسیار پائین علمی و فن آوری از نظر سئوالات ارائه شده که بتواند مورد علاقه ما باشد، بودند. بهر حال، انها بطور تجربی آغاز یک فعل و انفعال زنجیره ای (تکثیر یا افزایش نوترون) را مشاهده کرده بودند. به عنوان یک تعدیل کننده، آنها آب سنگین بدست آمده از نروژ را استفاده کردند. ما دو قوطی حلبی پنج لیتری آب سنگین که برچسب نورشک هیدرو بر روی آن مشاهده می شد را پیدا کردیم. ا هم چنین مقدار اورانیوم فلزی و چندین کیلو اکسید اورانیوم پیدا کردیم.

ما آنها را برچیدیم و مقداری از باقی مانده تجهیزات (الکتریکال، ابزار دقیق) مؤسسه کایزر را به مسکو ارسال کردیم. مقدار بسیار خام تفکیک کننده های ایزوتوپ را نیز به مسکو ارسال کردیم....».

دانشمندان آلمانی که در «پروژه اورانیوم» کار می کردند بارها و بارها گفتند که ایجاد یک بمب هسته ای به مقادیر زیادی وقت نیاز دارد که آلمان نداشت. ورنر هایزنبرگ در گفتگوئی با نیلز بوُر در سال ۱۹۴۱ گفت که ایجاد بمب هسته ای در آلمان در اصل ممکن است، اما این لازمه اش نیاز چنین تلاش های تکنیکی فوق العاده ایست که امیدواریم قادر به بکاربردش در جنگ نباشد. به نظر می رسد که این پیش بینی فیزیک دان بزرگ بطرز درخشانی تأیید شد. بمب اتمی توسط نازی ها ایجاد نشده بود.

با این حال، بعداً افسانه خلق شده که آلمان هنوز سلاحی هسته ای دارد، به شدت محکم و استوار از کار برآمد، مانند بسیاری از افسانه های دیگر در مورد دستاوردهای فوق العاده دانشمندان رایش سوم.

* 235U
**Modern Quantum Mechanics
***Karl Von Weizsacker
**** Fusion occurring in the interiors of stars

پرسش ها وپاسخ ... بقیه از صفحه آخر

اجتماعی بر اساس اتکاء و متکی به خود (اوتوسنتریک) بنا شده باشد.

- خواست گسست زمانی در کشورهای به ویژه پیرامونی و نیمه پیرامونی جنوب به عنوان یک آرمان در بین خلق های زحمتکش جهان بروز و رشد یافت که استعمار نوین به جای استعمار کهن، نشست. بعد از پایان جنگ جهانی دوم اکثریت عظیمی از کشورهای چهار قاره (آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اقیانوسیه) که تا آن زمان مستعمرات کشورهای عمدتا اروپائی (اروپای آتلانتیک) بودند، موفق به کسب استقلال گشتند. در این دوره که نزدیک به بیست سال (از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵) طول کشید تعداد زیادی از این کشورها که به کشورهای کنفرانس باندونگ (۱۹۵۵) و جنبش کشورهای غیر متعهد (۱۹۶۲) تعلق داشتند از موهبت نسبی توسعه های خود محور و متکی به خود بهره مند گشته و اندیشه ها و جنبش های سوسیالیستی نیز در این کشورها فرصت های مناسبی برای رشد و گسترش خود پیدا کردند. ولی بعد از آغاز فعلی جهانی گرائی سرمایه داری جهانی (فاز بازار آزاد نئولیبرالی) و به موازات آن شروع تهاجمات مجدد راس نظام در دهه ۸۰ قرن بیستم (جابه جائی استعمار کلاسیک کهن با استعمار نوین) شرایط برای رشد و توسعه پروژه های ملی بر اساس گسست از محور نظام در کشورهای دربند پیرامونی در مسیر افول و اضمحلال قرار گرفت. پروسه این افول و اضمحلال بعد از فرود و نابودی سه ستون مقاومت چالشگر (جنبش های رهائی بخش ملی در کشورهای جهان سوم ، جنبش های کارگری در اروپای آتلانتیک و بالاخره فروپاشی و تجزیه شوروی) در دوره ۱۹۹۱ – ۱۹۷۵ به سرعت تشدید یافت.

- بررسی دقیق و تحلیلگرانه اوضاع جهان در عصر سرمایه داری انحصاری در ۱۳۰ سال گذشته (از ۱۸۸۵ تا کنون ۲۰۱۵) به روشنی نشان می دهد که وقوع گسست در کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی جهان عمدتا منجر به شکل گیری حاکمیت های خود محور و خود مختار (اتو سنتریک) در آن کشورها گشته که به عنوان اهرم های قوی در تضعیف قدرقدرتی ها و یکه تازی های لجام گسیخته راس نظام و بعضی از شرکایش در صحنه جهانی نقش مهمی ایفا کرده اند. امروز در پرتو شرایط رو به رشد در جهان و قرار گرفتن راس نظام در

سراشیب فرتوتی، کهولت و بی ربطی، امر گسست و شیوع آن در کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی جهان می تواند در برابر تهاجم جهانی گرائی نظام جهانی مقاومت کرده و بدین وسیله حرکت در مسیر استقرار نظم جهانی دیگر و بهتری را امکان پذیر سازد. بر این اساس می توان اذعان کرد که امکان و حتی احتمال تغییر و دگردیسی در جهان امروز برخلاف گذشته نه در کشورهای مسلط مرکز سرمایه داری بلکه توسط خلق های زحمتکش کشورهای دربند که ۸۰ در صد جمعیت جهان را در بر می گیرند، به وقوع خواهد پیوست. به عبارت دیگر نیاز و ضرورت به زیر سئوال کشیدن نظام سرمایه در کشورهای دربند جدی تر و شدیدتر از کشورهای مسلط مرکز خواهد بود . زیرا امروز بیش از هر زمانی در گذشته تضاد و تلاقی بین مرکزها و پیرامونی ها در شرایط انفجاری تر قرار گرفته اند.

- مضافا گسست می تواند سرآغاز و یا تسریع رشد خود محوری ملت ها ، خلق ها و طبقات توده ای (کارگران، دهقانان ودیگر تهیدستان) باشد. برای تضعیف و اضمحلال نظام جهانی فعلی ما نیاز به ایجاد نظام جهانی نوین داریم . بدون گسست، ایجاد جهانی نوین توهمی بیش نخواهد بود. گسست نه تنها شرایط را برای ایجاد حاکمیت ملی (استقلال) فراهم خواهد ساخت بلکه ادامه این حاکمیت سیاسی منجر به لغو شکل های مسلط مالکیت خصوصی گشته و به موازات آن توسعه "حاکمیت در تغذیه" (که فقدان آن امروز باعث مرگ و میر میلیون ها انسان به ویژه کودکان از قحطی و نبود غذا در کشورهای پیرامونی دربند می گردد) را از طریق صنعتی سازی کشاورزی کشور میسر خواهد ساخت.

نتیجه اینکه

- پروسه گسست و استقرار حاکمیت ملی خیلی امکان دارد که راه را برای رشد و گسترش سوسیالیسم هموار سازد . احتمال وقوع این دگردیسی در جامعه زمانی افزایش می یابد که در آن جامعه حامیان این دگردیسی سوسیالیست هائی باشند که از موهبت یک مدیریت پیشرو بهره مند باشند: مدیریتی که از حمایت بیدریغ اقشار مختلف طبقات توده ای (به ویژه کارگران، دهقانان و دیگر تهیدستان) آن جامعه بهره مند است.

پرسش سوم: انحصارات پنجگانه کدامین هستند و آنها چگونه برای رهائی خود از بحران حاکم متوسل به ایجاد امپراتوری آشوب گشته اند؟ در تحت این شرایط وظیفه چپ های رادیکال چیست؟

پاسخ:

- بحران ساختاری نظام جهانی سرمایه (که در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ آغاز شده و پس از طی نزدیک به ۳۵ سال در اواخر سال ۲۰۰۷ برملاتر و رسانه ای تر گشت) نشان داد که هم بحران های موسمی و فصلی و هم بحران های سیستمی و ساختاری از ماهیت خود نظم سرمایه داری (که آن ها را هر بار عمیق تر و جهانی تر بازتولید می کند) جداناپذیر هستند. این امر به ما می آموزد که هر بحران در یک زمینه مشخص (مثل بحران بیکاری، بحران تورم، بحران مالی، بحران تغییر جو، بحران محیط زیست و...) را نباید به طور جداگانه بلکه به طور اورگانیک و فراگیر به عنوان بخشی از کل مورد بررسی، مداقه و و تفحص قرار دهیم. امروز "انحصارات پنجگانه" اولیگوپولی ها با عمومی تر، مالی تر و نظامی تر ساختن خود کل اقتصاد جهانی را بیش از هر زمانی درگذشته سرمایه داری، تحت کنترل خود قرار داده و مسئولین اصلی بحران ها و بی امنی ها (منجمله اعمال سیاست های "تلاقی تمدن ها"، گسترش بنیادگرائی های دینی-مذهبی و رواج امپراتوری آشوب) در اکناف جهان هستند. این انحصارات پنجگانه جهانی کدامین هستند؟

- از زمان آغاز مرحله سرمایه داری انحصاری(امپریالیسم) در اواسط دهه ۱۸۸۰ تا سال های آغازین دهه ۱۹۷۰ سرمایه داری توسط تعداد قابل توجهی از انحصارات که عموما به نام شرکت ها و کمپانی های تک ملیتی، چند ملیتی، فراملی و... معروف بودند، بر نظام جهانی سرمایه داری فرمان می رانند. ولی بعد از آغاز دهه ۱۹۷۰ مشخصا بعد از گسست پیوند بین دلار و طلا و شروع شکل گیری بحران فعلی ساختاری نظام سرمایه، تعداد قابل ملاحظه ای از انحصارات فوق الذکر دچار ورشکستگی گشته و یا مشمول جذب گشته در درون انحصارات قوی تر ادغام گشتند. این روند بعد از سال های آغازین ۱۹۸۰ (شروع فاز فعلی جهانی گرائی سرمایه = دوره بازار آزاد نئولیبرالی) تشدید یافته و در عرض بیست و پنج سال گذشته به تدریج کنترل سرمایه داری جهان به دست انحصارات پنجگانه افتاد. این اولیگوپولی های پنجگانه انحصارات که امروز بر نظام جهانی سرمایه حاکمیت پیدا کرده اند به ترتیب عبارتند از: ۱- کنترل امور مالی و پولی جهان، ۲ - کنترل فن آوری و تکنولوژی، ۳ - کنترل دسترسی برمنابع طبیعی، ۴- کنترل بلامنازع رسانه های گروهی جاری و ۵ - انحصار و کنترل سلاح های کشتار جمعی.

- این اولیگوپولی ها که اولیگارشی های حاکم بر دولت های امپریالیستی دسته جمعی (آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن) را تحت کنترل خود قرار داده اند برخلاف گذشته برای تولید سرمایه گذاری نمی کنند. مقدار سرمایه گذاری های اولیگوپولی ها در بازارهای مالی در سی و پنج سال گذشته در تاریخ پانصد ساله سرمایه داری بی نظیر می باشد. این روند مالی تر سازی سرمایه گذاری ها از سوی این انحصارات یگانه راه حل برای ادامه عمر سرمایه داری در جهان است. رواج پروسه مالی تر سازی از طریق سوداگری منبعث از تاراج منابع انسانی و طبیعی عمدتا کشورهای پیرامونی جهان، نه تنها برای حامیان نظام عیب و نقص نیست، بلکه به نظر این نگارنده نیز ضرورت موجودیت منطقی نظام که در دوران کهولت و فرتوتی غوطه خورده است، می باشد.

- تحت این شرایط حاکم این نظام فرتوت و بی ربط که برای ادامه بقای خود متوسل به ایجاد امپراتوری آشوب از طریق اشتعال جنگ های بی پایان مرئی و نامرئی در اکناف جهان به ویژه در کشورهای منطقه به غایت استراتژیکی خاورمیانه بزرگ، گشته است. در چنین اوضاعی تلاطمات، تلاقی ها و مبارزات پر از اعتراض جنبش های سیاسی و اجتماعی یا به دگردیسی های سیاسی بهتر و ترقی خواهانه و یا بدتر فاشیستی حتی از نوع فاشیزم بنیادگرایانه دینی – مذهبی = داعشی، می انجامد. در مقابل اوضاع پر از تلاطم و گسترش امپراتوری آشوب توسط اولیگوپولی های انحصاراتی پنج گانه ، چپ رادیکال و دیگر چالشگران ضد نظام و ترقی خواه چه وظیفه ای دارند؟

وظیفه چپ های رادیکال

- ما در دوره ای از تاریخ معاصر زندگی می کنیم که در آن بحران ها و جنگ ها و بلایای منبعث از آنها از یک سو و فراز امواج خروشان بیداری ها و رهائی ها از سوی دیگر، سرنوشت بشر را ورق می زنند. آیا بشریت زحمتکش به همراه و دوش به دوش، چالشگران ضد نظام سرمایه در خلق یک نظام دموکراتیک تر ، برابرتر و کم هیرارشی تر و مسلما با چشم اندازهای سوسیالیستی، کامیاب خواهد شد؟ بدون تردید برای چپ رادیکال هم نیروی سوسیال و هم نیروهای ناسیونال ، به ویژه در کشورهای پیرامونی در بند چهار قاره (آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اقیانوسیه) و کشورهای نیمه پیرامونی اروپای شرقی (یونان، جمهوری چک و....) باید و ضروری ◀

است که ابتکار ساختمان یک جبهه ضد انحصارات پنجگانه و ضد میلیتاریسم بین کارگران ، دهقانان و دیگر تهیدستان از یک سو و دیگر تولید کنندگان قربانی نظام از سوی دیگر را به دست گرفته و از هر فرصت و استراتژی در جهت وارد ساختن ضربه بر پیکر نحیف و فرتوت نظام جهانی که تقلا می کند بهر نحوی از بحران ساختاری خود عبور بکند ، دریغ نکند .

- در روند ساختمان این جبهه متحد ضد انحصارات پنجگانه چه در سطح ملی و منطقه ای و چه در سطح بین المللی و جهانی چالشگران ضد نظام باید از بروز و توسعه دو پدیده چشمگیر که عمدتا در بخش جنوب در بیست و پنج سال گذشته از بعد از پایان دوره جنگ سرد در ۱۹۹۱ تاکنون ۲۰۱۵ پدیدار گشته اند ،حداکثر استفاده را به ویژه در انتخاب استراتژیکی مبارزاتی خود ، بکنند . این دو پدیده عبارتند از ۱- فراز کشورهای نوظهور و در حال عروج در جنوب و ۲- بروز دموکراسی های توده ای در حیاط خلوت راس نظام .

- انحصارات پنجگانه برای ادامه حیاط خود نیازمند ایجاد و گسترش امپراتوری آشوب از طریق اشتعال جنگ های بی پایان مرئی و نامرئی ساخت آمریکا و بلایای گوناگون منبعث از آنها (مثل گسترش بنیادگرائی های حتی فاشیستی مانند داعش و یا حمایت همه جانبه از سرکار آمدن سکولاریست های فاشیستی در اوکراین)، می باشد . بنابراین فراز کشورهای در حال عروج به ویژه در چین که در مسیری به پیش می روند که نمی خواهند تحت کنترل و فرمان این انحصارات قرار گیرند، در نهایت موقعیت این انحصارات عمومی تر ، مالی تر و نظامی تر شده را در کشورهای جنوب (مناطق توفانی) ضعیف می سازد. به طور مثال، اتخاذ سیاست های نوین در چین در چند سال اخیر به ویژه از سال ۲۰۱۰ به این سو در عرصه فن آوری بر اساس از "ساخت در چین" به "ساخت توسط چین" باعث گشته که چین دیگر کارگاه جهان برای شعبه ها و کمپانی های متعلق به انحصارات پنجگانه امپریالیسم نگشته و آن کشور در حال عروج را به مقدار قابل توجهی در گستره های فن آوری لازم برای توسعه داخلی خودش مسلح و مسلط سازد.

- این دگردیسی در گستره های فن آوری چین باعث گشته که تعداد قابل توجهی از کشورهای آمریکای لاتین به ویژه برزیل مثل چین عضو فعال گروه "بریکس" که در سال های اخیر در راه گسست از محور نظام قدم های موثری برداشته اند، با تعبیه و تنظیم سیاست ها و استراتژی های نوین در گستره های فن آوری به خصوص در امور کشاورزی و استقرار حاکمیت در منابع تغذیه خود را از فرامین انحصارات پنجگانه به مقدار قابل توجهی رها سازند.

- بدون تردید استقرار پروژه های ملی توسط دولت های توده ای محور و تضعیف اقشار مختلف کمپرادور و تضعیف پروسه توسعه های لومپنی آنها، رانت امپریالیستی را در سراشیب سقوط و اضمحلال قرارداده است. به هر رو، برای چالشگران رادیکال و ترقی خواه ضروری است که در محاسبات مبارزاتی و تنظیم استراتژی های بین المللی و همبستگی خود به فعل و انفعالات سیاسی این دو پدیده (عروج کشورهای نوظهور و مقتدر و گسترش دموکراسی های توده ای در کشورهای جنوب جهانی) توجه ویژه مبذول دارند.

نتیجه اینکه

- امروز در جهان ما تلاقی و تضاد بین سرمایه داری و سوسیالیسم با تلاقی و تضاد بین شمال (کشورهای مسلط درون امپریالیسم سه سره) و جنوب (کشورهای دربند پیرامونی) گره خورده و عجین گشته اند . وقوع این امر در تاریخ پانصد ساله سرمایه داری منجمله در عصر سرمایه داری انحصاری در ۱۳۰ سال گذشته (از ۱۸۸۵ تا کنون ۲۰۱۵) بی نظیر و لاجرم حائز اهمیت برای بشریت زحمتکش جهان و چالشگران ضد نظام است . بررسی تحلیلی مسائل ۷ و فراگیر جهانی از مسئله تغییر جو و تخریب محیط زیست گرفته تا تاراج منابع طبیعی و ابر استثمار طبقات توده ای در چهارچوب این کشمکش عمده (تضاد بین شمال و جنوب) و حرکت در جهت حل آنها به نفع بشریت زحمتکش، برای رزمندگان ضد نظام جهانی به یک امر ضروری و فوری تبدیل شده است.

- در متن و بطن این چهارچوب ، حق تصاحب خصوصی منابع طبیعی، تکنولوژیکی، مالی، فنون ارتباطاتی و اطلاعاتی و... توسط انحصارات پنجگانه (اولیگوپولی های شمال) تحت عنوان اینکه "راه و رسم زندگی آمریکائی مذاکره پذیر نیست" به چه معنی است؟ یعنی انکار دسترسی خلق های جنوب (۸۰ در صد بشریت) به منابع طبیعی و انسانی خود.

- به نظر این نگارنده بشریت زحمتکش (چه در کشورهای مسلط مرکز در شمال و چه در کشورهای پیرامونی دربند جنوب) زمانی خواهد توانست به طور جدی در ساختمان یک نظام جهانی دموکراتیک تر، برابری طلب و کم هیرارشی تر البته با چشم اندازهای سوسیالیستی، قدم بردارد که این راه و رسم زندگی در شمال را دگرگون سازد. مسلما این امر زمانی میسرتر می گردد که در جنوب رزمندگان جدی ضد نظام با زدن "نشان سرخ دلیری" برسینه با جسارت به قول ملک الشعرای بهار" ... جزئیات مرامی را موقتا کنار گذاشته با هر کسی که از حیث مظلومیت با شما همدرد است، کنار بیائید". (به نقل از روزنامه ستاره سرخ مورخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۱) عمل کنند.

- تشدید و گسترش مبارزات ضد نظام جهانی در کشورهای مختلف جنوب نه تنها رانت امپریالیستی را همراه با تضعیف بورژوازی لومپنی – کمپرادور کاهش داده و موقعیت انحصارات پنجگانه را در سطح جهان به خطر می اندازد بلکه در نهایت طبقات توده ای در شمال را در مبارزاتشان برای اجتماعی و ملی کردن حیطه های امور رفاهی (وسایل و منابع بهداشت و طب، آموزش و پرورش ، ترابری و....) تقویت می کند. هیچ بعید نیست که در روند این مبارزات آریستوکراسی کارگری همراه با دیگر اقشار خرده بورژوازی در اروپای آتلانتیک و آمریکای شمالی دست به عقب نشینی زده و بدین وسیله شرایط برای رشد و گسترش همبستگی ها و همکاری ها بین طبقات توده ای به ویژه کارگران شمال و خلق های جنوب برای اولین بار بعد از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، مجددا میسر گردد.

ن.ناظمی - مرداد ۱۳۹۴

منابع و مآخذ

۱- مصاحبه با سمیرامین درباره " بهارعربی ، بحران سرمایه داری معاصر و کیفیت و ماهیت سوسیالیسم قرن بیست و یکم " در مجله سیزفایر (آتش بس) ، ۵ دسامبر ۲۰۱۱ .
۲- روزنامه ستاره سرخ ، مورخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۱.
۳- درباره جزئیات پیشنهاد تاریخی ملک الشعرای بهار به نیروهای چپ و ترقی خواه در(۲۲ مرداد ۱۳۳۱ در بحبوحه پیروزی قیام تاریخی ۳۰ تیر ۱۳۳۱)، رجوع کنید به: جامی "گذشته چراغ راه آینده"، بدون ذکر مکان چاپ (اروپا ؟)، ۱۳۵۵.
۴- پال باران، "اقتصاد سیاسی توسعه"، از انتشارات مانتلی ریویو ، نیویورک، ۱۹۵۷.
۵- آبا یومی آز کووی، "استقرار همبستگی با آفریقا در جهت گسست"، در سایت گلوبال ریسرچ نیوزلتر، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴.
۶ - امانوئل تاد، "بعد از امپراتوری: سقوط نظام آمریکا"، نیویورک ۲۰۰۳.
۷- سمیرامین، "سرمایه داری به مرحله فرتوتی اش گام می نهد : ، برگردان م.ت.برومند در سایت اخبارروز، بهمن ۱۳۹۳ (نوامبر ۲۰۱۴)

درجنبش جهانی کمونیستی

از ام.ال.ک.پ.(حزب کمونیست مارکسیست ـ لنینیست ترکیه)
infomlkp@gmail.com
۲۰ ژوئیه

رفقای گرامی،
امروزصبح در شهر سوروچ درکردستان شمالی قتل عامی علیه اعضای فدراسیون سوسیالیست اتحادیه جوانان صورت گرفت. بمبی منفجرشد و تعدادزیادی از جوانان کشته و زخمی شدند. حدود ۳۰۰ نفر آماده رفتن به کوبانی برای یک هفته و کمک به ساختن شهربودند.
ما شما را فرامی خوانیم برای سازماند هی مبارزه جهت هم بسته گی بین المللی و اعتراض علیه قتل عام و سیاست خونین دیکتاتوری آک پارتی و ای.سیس گروه فاشیستی در ۲۱ و ۲۲ ژوئیه.

با سلام انقلابی. ام.ال.ک.پ.

****

ـ اخبار کنونی هم بسته گی روجاوا شماره ۳
هناهنگ کننده اصلی ایکور ـ
۴ ژوئیه ۲۰۱۵

به تمامی سازمانهای عضو
رفقای عزیززن و مرد!
تبریک صادقانه ایکور به حزب دموکراتیک خلق(ح.د.خ.) به خاطر پیروزی سخت شان در انتخابات ترکیه. راه هم کاری فشرده جنبش آزادی بخش کرد با انسانها و سازمانهای مترقی و انقلابی ترکیه جهت گیری روبه آینده دارد.
درآلمان ۱۵۰۰ نفر **جشن هم بسته گی بین المللی** رابرای بیان خداحافظی با ۱۵۰ بریگادیست زن و مرد ازآلمان در۶ ژوئن ۲۰۱۵ برگزارکردند. این بین مبارزان

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه قهرمانانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی علیه آلمان نازی بود که نیروهای متفق را نجات داد

در ۷۰ مین سالگرد پیروزی ارتش سرخ کارگران درجنگ دوم جهانی بر نیروهای فاشیستی مقالاتی را درزیر آورده ایم برای نشان دادن این واقعیت که بدون وجود نظام سوسیالیستی مورد حمایت مردم شوروی انجام چنین جنگ وحشتناکی علیه فاشیسم ناممکن بود و آنانی که درنفی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی به رهبری حزب کمونیست و در راس آن استالین سرازپا نمی شناسند به جای خدمت به دست آوردهای طبقه کارگر جهانی هم آوا با امپریالیستها به کوبیدن این کشور می پردازند، با پیچاندن خود درقبای خرده بورژوازی و با این گونه موضع گیریها توانسته اند جنبش کمونیستی و کارگری را به بزرگترین تفرقه و اتمی شدن موقتی بکشانند. اما این خراب کاری دیگر نمی تواند بیشترازاین تداوم سرسختانه تر در برابر حقایق تاریخی بیابد.
توسط: سُرجی بالماسوو، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰
چه کسی جنگ جهانی دوم را به پایان رساند و چه کسی هیتلر را شکست داد؟ اگر با استدلال حد اقل بگوئیم، این سئوالات برای تمام مردم روسیه بسیار عجیب و غریب به نظر می رسد. فاشیسم به وضوح توسط نیروهای ائتلاف ضد هیتلری ازپای درآمد، که در آن ارتش سرخ و اتحاد جماهیر شوروی مهم ترین نقش را برای شکست دادن نازی ها بازی کردند.
اتحاد جماهیر شوروی باعث آسیب زدن بزرگتری به سربازان نازی شد. تلفاتی که

بقیه در صفحه ۱۳

پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش دوم)

در بخش اول این نوشتار به پرسش اول دربـاره برنامه هـای مربوط به استقرار حاکمیت ملی بویژه در چین پاسخ داده شد. در بخش دوم به دو پرسش درباره گسست از محور نظام، هویت انحصارات پنجگانه و تلاقی ها بین مرکزهای مسلط (شمال) و پیرامونی های در بند (جنوب) و بالاخره وظیفه چپ چالشگر ضد نظام سرمایه داری پاسخ های اجمالی ارائه می گردد.
پرسش دوم: چرا گسست از محور نظام و تقابل با جهانی گرائی سرمایه لازمه اصلی استقرار حاکمیت ملی است؟
پاسخ:
ـ حرکت و تـلاش در جهت گسست از سرمایه داری جهانی اولین قدم در راه استقرار حاکمیت ملی است. به عبارت دیگر گسست از اقتصاد جهانی و تعبیه و تنظیم قرار دادن سیاست و روابـط خارجی در خدمت نیازمندی ها و ارجحیت های داخلی از طریق ایجاد رشد خود محور و متکی به خود است که لاجرم منجر به استقلال می گردد. این تلاش بشری تا زمانی که ساختار جهانی بر اساس ملت دولت های واحد و مرز محور بنا گشته و از تاریخ عمر آن متجاوز از پانصد سال می گذرد، به قوت خود باقی خواهد ماند. البته این حرکت و تلاش به هیچ وجه رد روابط با کشورهای جهان بر اساس خودکفائی (اوتارکی) نیست بلکه پروژه کلیدی و اصلی گسست ایجاد حاکمیتی است که در آن رشد اقتصادی –

بقیه در صفحه ۱۶

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی نشریه رنجبر:
ranjbar.ranjbaran@yahoo.com
آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.info@yahoo.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A